Iranische Bibliothek in Hannover

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

# پیکار ۳۳

دوشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۸ — بها ـ ۲۰ ریال

**پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید**

**تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواستهای ضدامپریالیستی توده‌های مردم است**

بمناسبت ۲۱ آذر:

## گرامی باد خاطرهٔ قیام پرشکوه خلق آذربایجان

یاشاسین بیزیم ترک خلقمیز!

با فرا رسیدن ۲۱ آذر امسال ۳۳ سال از سقوط حکومت دموکراتیک آذربایجان میگذرد. درعین حال این روز یادآور خاطره قیام پرشکوه خلقی ستمدیده است که در یکی از حساس‌ترین دوران های تاریخ ما ضربه‌ای سخت

بقیه درصفحهٔ ۲

## بیاد ۱۶ آذر روز آذرنشان دانشجو

دانشجو، محصل،
پیوند با زحمتکش،
پیوند با زحمتکش

مراسم پرشکوه روز دانشجو چگونه برگزار شد

صفحهٔ ۱۱

**هرچه گسترده‌تر باد جنبش‌های حق طلبانه دهقانان علیه ملاکین!**
**پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان!**

## مبارزه علیه مالکین بزرگ از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

صفحهٔ ۷

اول ژانویه (دهم دیماه) مصادف است با تولد انقلاب فلسطین یعنی عید خلق فلسطین!

**رفقا، هواداران، نیروهای انقلابی!**
**بکوشیم تا مراسم این روز را هرچه باشکوه‌تر برگزار کنیم!**

- وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟
- مبارزه برای رسمی شدن ادامه خواهد یافت یک گام از ده گام!
- قطع دست کارگر، در جامعه سرمایه‌داری ...
- انتظامات، حفاظت کمیته مستقر در کارخانه منحل باید گردد!
- خانه کارگر سنندج آزاد شد
- گزارشی کوتاه از اخراج کارگران آگاه کارخانه استارلایت
- کارگران ماشین سازی اهواز مدیر ضد کارگر پرورده‌های ماشین سازی را محاکمه و اخراج کردند
- پیروزی کارکنان سرکت‌های حفاری

صفحهٔ ۳

- جنبش ملی — درصفحهٔ ۶
- جنبش دهقانی — درصفحهٔ ۷
- حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان — درصفحهٔ ۵
- رفراندوم قانون اساسی "خبرگان" (۲) — درصفحهٔ ۱۰


## توطئه جدید "امل" علیه مردم فلسطین و لبنان و نقش آقای چمران و طباطبائی

صفحهٔ ۹

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

بقیه از صفحه ۱ ...

بیکرا رتجاوز و امپریالیسم فرود آورد. جنایت برگزاری این قیام دلاورانه و دولت دمکراتیک آذربایجان کار دل تمام مسلحانه خلق آذربایجان خویش در آن سالهای سیاه کار امپریالیسمهای انگلیسی و آمریکائی ایران را خوابگاه دستپخت های خود کرده بودند. جراغی فروزان در دل کلبه خلقهای ستمدیده و رنجدیده ایران بوجود آورد. در طول مدت یکسالی که حکومت دمکراتیک آذربایجان بقدرت رسید و خلق آذربایجان سرنوشت خویش مسلط شد و جنایت سالهای پس از آن همگان شاهد آن بودند که چگونه سرکوب و دستگیری رقیب قلب تمام خلقهای زحمتکش و ستمکش ایران در سرتاسر جهان در آنجائی که پرچم استقلال خلق بدست توانای توده ها برافراشته میشد. ولی افسوس که دستاوردهای آن قیام پیروزمند طلبی و سازشکاری رهبران آن به گفتار دادا و در آخر بدست امپریالیستها و مرتجعین و در راس آن دربار خائن پهلوی نابود شد و فقط خاطره ای از آن همه دلاوری و جانفشانی باقی ماند. یکدار امپریالیستها و مرتجعین بر اجساد شهدای خلق قهقهه سر دهند. یکدار جلادان خلق سینه آزادیخواهان را بشکافند. یکدار فرصت طلبان و سازشکاران بر اجساد شهدای خلق اشک نصاح بریزند. خلقی که تمام مسلحانه سرنوشت را در سالهای سخت سرنوشت آفرید. خلقی که حکومت دموکراتیک آذربایجان را در سالهای ۲۵-۲۴ سر قدرت نشاند و بالاخره خلقی که قیام قهرمانانه ۲۹ بهمن ۵۶ را آفرید همچنان زنده است و برای استقرار استقلال و آزادی، دمکراتیک و حلقی می رزمد. امروز خلق آذربایجان و خلق کرد و سایر خلقهای ایران زمانی خاطره قیام سرنوشت سالهای ۲۵-۲۴ را گرامی می دارند که خلقهای سراسر ایران علیه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و عمال آن می رزمند. امروز نوبت برای خلق کرد درس آموزی از آن سالهای سرنوشت ساز است. ما شاهد آنیم که از جناح یکنار دیگر می گوشه های رزم خلق را در کردستان فرو نشانند. نیروهای خلق را بار دیگر میدهند تا با کمک سازشکاران و فرصت طلبان یکنار دیگر حاصل خون هزاران شهید راه خلق را به یغما کشانند.

رنده باد خلق آذربایجان، خلق کرد و همه خلقهای ایران!

سالهای ۳۲-۲۰ دوران زندگی بوده ای در سراسر ایران بود. قدرت نافس آلمان هیتلری و وقوع جنگ های امپریالیستی در فاصله جنگ جهانی دوم مانع از آن بود که امپریالیستها توانند حال را جنگ تجارت خود در کشورهای وابسته ادامه دهند. این فرصت و توانایی موقعیتی بسیار مناسب بود برای زحمتکشان ایران که یکدوره سرکوب و خفقان ۲۰ ساله را پشت سر گذارده بودند. این سالها فرصتی مناسب برای شکل گیری نهضتهای آزادیبخش بود. زحمتکشان گروه گروه در اتحادیه ها، احزاب، سازمانهای توده ای و سیاسی خود متشکل شدند و برای احقاق حقوق صنفی و سیاسی به نبردهای ملی - طبقاتی روی می آوردند. در عین حال از جناح سرکوب ضربات جانکاهی خورده و تشکل خود را از دست داده بود می کوشید تا سرعت نیروهای خود را جمع آوری کرده و در نبردی قطعی زحمتکشان را سرکوب نموده و آزادی بدست آمده را از چنگ آنان بیرون بکشد.

> یکدار امپریالیستها و مرتجعین بر اجساد شهدای خلق قهقهه سر دهند. یکدار جلادان خلق سینه آزادیخواهان را بشکافند، یکدار فرصت طلبان و سازشکاران بر اجساد شهدای خلق اشک نصاح بریزند، خلقی که تمام مسلحانه تبریز را در سالهای سخت نهضت سرنوشت آفرید، خلقی که حکومت دمکراتیک آذربایجان را در سالهای ۲۵-۲۴ در قدرت نشاند و بالاخره خلقی که قیام قهرمانانه ۲۹ بهمن ۵۶ را آفرید همچنان زنده است و برای استقرار استقلال و آزادی، دمکراتیک و حلقی می رزمد!

نهضت دموکراتیک در آذربایجان و کردستان با خاطرات آزادیخواهانه و ضدامپریالیستی پیوند ناگسستنی داشت. فقر و تنگدستی در میان زحمتکشان که اکثریت آنها را دهقانان زحمتکش تشکیل می دادند، بطور حیرت آوری نمایان می گردید. آزادی عمومی با خاطرات تلخ سرکوب خونین کمانه شده بود. سلاحهای ناسی از جنگ تشنه بر دوش زحمتکشان سنگینی میکرد. امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی در اکثر نقاط ایران به غارت و چپاول خلق مشغول بودند. در عین حال وجود ارتش مرتجع در شمال کشور مانع از آن میشد تا این غارت و چپاول و بهمراه آن سرکوب خلق توسط امپریالیستها به آذربایجان راه پیدا کند. همه این عوامل شرایط مناسب برای شکل گیری یک جنبش انقلابی برای سرنگونی امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی و عمال جنایتکار آنها یعنی دربار و سلطنت پهلوی فراهم می آورد.

از جناح دیگر موقعیت ویژه آذربایجان مطلع بود و از آنجا که جنبشی برای سرنگونی خلق در آنجا فرو گذارد نمی کرد. فهمی اسان - دار آذربایجان (در سال ۱۳۱۹) از یکسو برای اتحاد عناصر در میان کارگران اتحادیه های فلاحی بوجود می آورد و از سوی دیگر از هرسان و چاقوکشان را مسلح می ساخت تا مسلحانه به دهات یورش برده و با غارت و قتل و کشتار آنان دهقانان را سرکوب سازد.

از جناح که پس از شکست انقلاب مشروطیت مجدداً سرآنکه قدرت یکه زده بود از آذربایجان قهرمان به جنبش نوین شکلی انتقام میگرفت. سیم ملی و طبقاتی بنیاد میگرد. مثل نمونه زیر، عظمت فاجعه را نشان میدهد:

"در تابستان ۱۳۱۹ علیه آذربایجان را که جرواری ۳۵۰ الی ۴۰۰ ریال در محل قیمت داشت، آقای مسعودی (استاندار) بدون اینکه به احتیاجات مردم سرنوشت اعتنائی نموده و با دیگر آنها دارند با مشی آدوقه شهر نرسیده ابرند هدر و سرنوشت از قرار جرواری ۱۲۰ ریال خریده و تمام آنه مرکز حمل کردند. در فصل زمستان، شهر سرنوشت محاصره (قحطی) گرفتار روسی آدوقه ماند. تا جارغله گندیده و ارجنسال مانده کرکان را که تماماً متعلق به املاک اختصاصی (رضاشاه) بود از راه آستارا به سرنوشت حمل و از قرار جرواری ۶۰۰ ریال بخورد مردم بیچاره دادند. وجون نان این گندم های فاسد خوردنی نبود و در عین حال گران و کمیاب و پیدا نمی شد، هزاران نفر بیمار، مریض و با ارگرسنگی فراسی اعراض آقای مسعودی شدند. علت حمل شده ارگرگان بقدری فاسد و غیرقابل خوردن بود که قسمتی از جو آنرا فرمانده ارتش تبریز سرنوشت و شرحی به استاندار نوشته بود که: بعلت فاسد شدن، اسبهای ارتش نمی خورند و استاندار در حضور جمعی از نهایت بیشرمی چنین گفته بود:

"تا کی بنشینم حالا که اسبهای ارتش نمی خورند مردم چرا تبریز نخورند!" (۱). واقعاً چه بیشرمی!

در رابطه با مسئله ملی آنهم در مورد زبان ترکی که زبان مادری خلق ترک در آذربایجان است کافی است به این نمونه اشاره کنیم:

در همان سالهای پیش از قیام آذربایجان و در کنار جنبش استانداری، یک رئیس فرهنگ هم وجود داشت بنام محسنی. او میگفت: "هر کس ترکی حرف میزند، اسناد را لاغ سرا و بزنید و او را به آخور ببندید"! در نوجیین سیاست ضدخلقی ای بود که هرگونه بیشرمی را که به زبان ترکی آذربایجانی نوشته میشد توقیف میکردند. با دیدگرفتن حقوق ملی خلق آذربایجان و شوینیسم فارس به جائی رسیده بود که نویسندگان فارس را بیشرفا ساخته بود. بحثی مانند ملک الشعراء بهار بر در توجیه سیاست رژیم حاکم و بحکم ماهیت طبقاتی خود زبان ترکی آذربایجانی را یکی از لهجه های زبان فارسی قلمداد میکرد! و آذربایجانیان را از اجباری که برای تکلم به زبان مادری خود دارند، مورد سرزنش قرار می داد!

از جناح به اینگونه جنایات بسنده نمی کرد بلکه برای اتحاد تفرقه بین صفوف کارگران اتحادیه های فلاحی می ساخت و به فئودالها اسلحه میداد تا دهقانان را غارت و سرکوب کنند (۲)

اینها نمونه های کوچکی بود از رسم جنبشی که به مردم آذربایجان روا داشته می شد و زمینه را برای جنبش دموکراتیک آذربایجان فراهم ساخت.

از سوی دیگر آزادیخواهان نیز برای مبارزه مشترک گردهم آمدند و در تشکیلات صنفی

بقیه در صفحه ۱۲

**همه قراردادهای اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!**

# جنبش کارگری

## خانهٔ کارگر سنندج آزاد شد

طی کردبا دلاوریها وحماسه‌هایی که‌در طی سه ماه هجوم‌نظامی دولت ضدانقلابی به کردستان ازخودنشان دادتوانست سنگرهای از دست رفتهٔ خودرا یکی پس ازدیگری پس بگیرد. یکی ازاین سنگرها خانهٔ کارگر سنندج بودکه پس ازحمله‌به‌کردستان توسط پاسداران متفع مستضعفین!! ضبط شده بود.

روزچهارشنبه۵۸/۸/۳۰ بدعوت کارگران پیشروعدهٔ زیادی ازکارگران ومردم سنندج درمیدان آزادی این شهرگردآمدند. دراین گردهمایی ابتدا پیام‌کارگران کارخانه پوشاک سنندج قرائت شد، وسپس پیام دانش‌آموزان ودانشجویان پیشگام‌خوانده‌شد. آنگاه پیام سازمان پیکاردرراه‌آزادی طبقه‌کارگر-حورهٔ سنندج خوانده‌شد.

پس ازپایان گردهمائی، جمعیت بطرف خانه کارگرحرکت کرد. بعضی ازشعارهائی که‌آنها درطول راه می دادند، عبارت بودار:

"خانهٔ کارگرسنگرزحمتکشان آزادباشدگردد"

"تعدبیاریگه‌ی زرگای، سوسیالیزم کریکاری"

(تنهاراه‌رهایی، سوسیالیزم کارگری)و....

درمقابل خانهٔ کارگراسداکارگران روی‌زمین نشستندونمایندگان آنها آرم‌خانهٔ کارگررا بالای درآن نصب کردندوپس ازسه‌ماه دوباره خانهٔ خودراازچنگ پاسداران سرمایه درآوردند. آنگاه به‌نشانهٔ پیروزی، سرودا تحاد، اتحادبطوردسته‌جمعی خوانده شد.

چاره رنجبران
وحدت وتشکلات است

## گزارشی ازاخراج کارگران آگاه کارخانهٔ استارلایت

چرا کارفرمایان وسرمایه‌داران ازکارگران آگاه وحشت دارند، ودرهرفرصتی وبابهانه‌های ساختگی آنها را اخراج میکنند؟ سرمایه‌دار دنبال سودبیشتراست، برای اینکه‌هرچقدربتواند کارگران را استثمارمیکند، درمقابل، کارگران آگاه، با آنچه که‌میتوانند میکوشند آگاهی‌دوستان کارگرشان را بالابرده‌وآنها را به‌حقوقشان آشنا سازند. هرقدرآگاهی کارگران بالارودوستر بحقوقشان آشناشوندکمتربه‌سرپرده‌کسی می‌دهند. واین درست مخالف آنست که سرمایه‌دار میخواهد. اراسرودست به‌توطئه میزند. حال اگرکارگران یکپارچه‌وهشیارباشند، کارفرما شکست خورده‌واقعاً میشود. اما اگرناآگاه و پراکنده‌باشند، کارفرما بطورموقت پیروز میشود. اخراج ۲۶ نفرازکارگران مبارز کارخانهٔ استارلایت که گزارش آنرا دربرمی‌خوانید یکی از هزاران نمونه‌ایست که درارابطه‌با تکنیک بالا هر روز درگوشه وکنار میهنمان اتفاق می‌افتد.

کارفرمای این کارخانه‌ازمدتها پیش عده‌ای ازکارگران مبارزرا نشان کرده‌وبا کمک سرپرستها وکارگرنمای لیستی ۴۵نفررا ازآنها تهیه می نماید، تا درفرصتی مناسب اخراجشان کند. اینست که‌عصر دونفرازکارگران را بهانه کرده‌وآنها را اخراج میکند. بدنبال این جریان روزچهارشنبه ۵۸/۸/۲۳، ۲۴ نفرازکارگران به طرفداری وحمایت ازکارگران اخراجی دست از کارکشیده‌ومقابل دفترمدیریت مشخص میشوند دراین‌هنگام عده‌ای ازکارگران که‌اغلب آنها سرپرستها ومردوران کارفرما بودندبا تحریک کردن عده‌ای ازکارگران ناآگاه به کارگران مشخص حمله میکنندوباهل دادن وفحشهای رکیک آنها را ازسالن بیرون میاندازند. و بدنبال ترتیب ۲۶ کارگر آگاه ازکارخانه‌اخراج می‌شوند. کارگران اخراجی ازهمان‌روزاول برای سرکشی بسرکارخانه‌اقدامات مختلفی دست میزنند آنها به‌کارخانه‌های مختلف مانند (نخ‌ریس-ساکا-تکنوکار-عسدی و...) رفته‌وخبرشان اخراجشان وعلت آنرا برای کارگران شرح میدهند کارگران این کارخانه‌ها اظهارمیدارندکه هر کاری بتوانند برای آنها انجام میدهند. کارفرما برای اینکه‌کارگران آگاه واخراجی را از دیگرکارگران جدا نگهدارد دستورمیدهدکه‌آنها را به‌کارخانه‌راه‌ندهندوسرویسها نیزآنها را سوار نکنند.

کارگران اخراجی برای آنکه‌صدایشان را به گوش دوستان کارگرشان برسانند، دست به‌انتشار اعلامیه میزنندکه‌درقسمتی ازاعلامیه‌شماره ۱ آنها میخوانیم:

"دوستان کارگر... ما کارگران باشما هم‌صحبتیم، چون دردمان یکیست، چون با هم رحمت میکشیم وبا هم استثمارمیشویم... چرا

←

## وظیفه کارگران درمقابل مدیریت کارخانه چیست؟

دررابطه با مسئله‌قوی که‌اکنون به‌اشکال گوناگون ودرکارخانه‌های مختلف مطرح میباشد اعلامیه‌ای درتاریخ ۵۸/۹/۵ ازطرف سازمان منتشرشده‌است. در این اعلامیه ضمن اشاره به‌اوضاع بانابسامان اقتصادی کنونی و استثماری که بویژه‌بردوش طبقه کارگر سنگینی میکند، آمده‌است:

"... درچنین شرایطی وظیفه‌سوراها (مراد ما ازسورای واقعی، نه‌سوراهای انقلابی لنینی، بلکه‌ازنظروظایف ومضمون همان سندیکای واقعی - شرح- می باشد) باسند-یکای واقعی کارگران چیست؟

وظیفه‌سوراها یا سندیکای واقعی کارگران عبارت است ازتشدیدنظارت وکنترل خود بر مدیریت کارخانه. وظیفهٔ مدیریت کارخانه تشدیداستثمارهرچه‌بیشتر کارگران است. مدیران همیشه‌دربی یافتن شیوه‌های جدیدبرای کسب سودبیشترهستند. دراین مرحله‌ازانقلاب، کارگران نمی توانند مدیریت کارخانه‌راکاملا بدست بگیرندوازطرفی شرکت درآن بمعنی قرار گرفتن درکنارکارفرماست. اما کارگران می‌توانندوباید نظارت وکنترل مدیریت کارخانه‌درجهت هرچه‌محدودترکردن استثمار کنار بردارند. ازآنجائی که‌سوراها یا سندیکای واقعی کارگران، نماینده‌کارگران می باشد، وظیفه‌اش شرکت درمدیریت کارخانه‌نبوده، بلکه برای تامین منافع کارگران، وظیفه‌دارد بر مدیریت کارخانه‌نظارت وکنترل شدیدداشته‌باشد.

سوراها یا سندیکای واقعی کارخانه‌وظیفه دارندباتشدیدنظارت وکنترل خودبرمدیریت کارخانه (ونه‌شرکت درآن) اهداف، برنامه‌ها وعملکردهای ضدکارگری دولت وسرمایه‌داران رالوبضمت برای کارگران افشاکنند، باکارگران ازانجام آن جلوگیری بعمل آورند. شرکت درمدیریت کارخانه، سوراها یا سندیکای واقعی راازکارگران جداکرده، درمقابل آنان قرارمیدهد. ازآنجائیکه‌قدرت سوراها یا سند-یکای واقعی فقط وفقط درنیروی متحدوپیوسته‌کارگران میباشد، لذاسوراها یا سند-یکای واقعی بایدفقط وفقط براین نیروتکیه کرده، ازشرکت درمدیریت کارخانه‌پرهیزکنند. شرکت درمدیریت کارخانه‌باعث نفاق درمیان کارگران، دودرروقرارگرفتن سوراها یا سندیکا یا کارگران واردمیسازد یا تکاه‌کارگری آن میشود. شرکت سوراها یا سندیکای واقعی درمدیر-یت کارخانه، موجب میشودکه‌سوراها یا سندیکا آلت دست کارفرمایان و دولت ضدکارگری قرارگیرد. سوراها یا سندیکای واقعی کارگران، خارج ازکارخانه‌وظیفه دارد یا سوراها یا سندیکای واقعی کارخانه‌های دیگر تماس برقرارکرده، درجهت افزودن به‌نیروی متحدکارگران کوشش نماید.

کارگران برای کم‌کردن سندت استثمار، خواهان نظارت وکنترل برمدیریت کارخانه‌می‌باشند.

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

با تدریج دروغهای کارفرما و عواملش را بخورید. از طرفی شما گفتید که اگر به ما ها رسیدهد علش اینست که کارگران راضی نیستند، و بیشتر سرمایه دروغ شما گفتید که ما میخواهیم کارخانه را تعطیل کنیم یا شما نیکا رسوند. دروغ از این ساده تر نیست؟ اگر کارخانه تعطیل شود، خودمان و خانواده مان آواره و گرسنه میشویم. آن کارگر حامله، برای چه بخواهد که کارخانه را تعطیل بکند؟ برای اینکه پول برای ایمان نداشته باشد؟... می بینید چقدر کارفرما حقه باز و دورو است و سعی میکند دروغ ما را گول بزند و بخاطر هم نمیدارد؟ ولی ما کارگران هرگز نمیتوانند گول کارفرما و سرپرستها را بخوریم و با اتحاد خود، شوخه آنها را بیدا فاش کنیم."

کارگران اخراجی از سورای صدکارگری کارخانه میخواهند مجمع عمومی تشکیل شود تا آنها بتوانند حرفهایشان را بگوش همه کارگران برسانند اما در مجمع عمومی نیز با تحریک و آوردن کارگران ناآگاه به جلسه توسط کارفرما و مزدوران وی برعلیه کارگران اخراجی عمل میشود.

شکایتهای کارگران اخراجی به وزارت کار، شورای انقلاب و کمیته مرکزی به جائی نرسید. این مسئله را از قبل هم میشد پیش بینی کرد. کارنامه ۹ ماهه هیئت حاکمه پیش روی ما است. موارد زیادی را میتوان مثال زد که کارگران پس از اعتراض بحقوق پایمال شده شان، با سرانی مسلح به سلاحهای آمریکائی یا اسرائیلی رایشت سرمایه دار و بخاطر از او روبروی خود دیده اند. گذشته از این نگاهی به قانون اساسی و تصویب "خرگان" نشان میدهد که این دولت تا چه حد حقوق زحمتکشان را محترم میشمارد! بموجب ماده ۹ قوانین "خرانم صدا انقلاب" که اساس آن برای کارگری که در اعتراض به حقوق پایمال شده اش اعتصاب کند، ۲ تا ۱۰ سال زندان در نظر گرفته شده! پیام مورخ ۵۸/۸/۲۶ شورای انقلاب و ... اینها همه دلائل کافی هستند که کارگران و زحمتکشان ما از این هیئت حاکمه قطع امید کنند و در مقابل، به نیروی همبستگی خود متکی شوند، با تریبه آن بتوانند از حقوق خود را اگاه کنند.

## کارگران مبارز، مدیر ضد کارگر پروژه های ماشین سازی را محاکمه و اخراج کردند

کارگران ماشین سازی پارس، واحد هوا در تاریخ ۵۸/۸/۱۲ بهرادی مدیر پروژه ماشین سازی را در محل کارگاه مورد محاکمه قرار میدهند. آنها این را قسای سوابق وی در طرفداری از شاه خائن و اقدامات ضد کارگری در طول تصدی شغل خود، با اکثریت آراء، بهرادی را محکوم به خلع مقام مدیریت و اخراج از شرکت کرده و حکم صادره را علنا اجرا میکنند.

بهرادی که وضع را اینچنین میبیند، به مدتی خلاصه نامه وطی نامه ساز ۲-۵۸/۸/۱۲ که دارای غلطهای املائی و انشائی است مینویسد: "شما از کمیته ... از تاریخ تشکیل کمیته کارگران ماشین سازی... حدود ۹ ماه میگذرد... در این مدت به ما از کمیته حتی

به عقب نشینی وادارند. کارگران اخراجی از کوشش خود از شما نمیدانند اما کارفرما سرپوشیده مزدوران این همچنان بر علیه آنها توطئه میکنند تا حدیکه مثلا روزیکه کارگران کارخانه اساسا رفتند به تظاهرات ضد امپریالیستی میرفتند، کارگران اخراجی، که با خانواده هایشان جلوی کارخانه اجتماع کرده بودند، اصرار داشتند با آنها به تظاهرات بروند، اما طبق دستور کارفرما از سوار شدن به سرویس جلوگیری شد و بعداً اشاع کردند که این عده آمریکائی هستند و میخواستند بگذارند کارگران به تظاهرات بروند!

کارگران اخراجی در تاریخ ۵۸/۸/۳۰ به شورای متحد متوسل شدند (شورای متحد متشکل از شورای ۱۵ کارخانه است که شورای کارخانه اساسا رفتند سر عضو آنست!) با دخالت شورای متحد در تاریخ ۵۸/۹/۳ دوباره مجمع عمومی کارخانه تشکیل شد.

روز سه ۵۸/۹/۳ مجمع عمومی برگزار شد در این مجمع چند نفر از حمله کنندگان از نمایندگان شورای متحد صحبت کردند. وی ضمن صحبت اشاره کرد که: شما دنبال آمریکا است، ما نباید بگذاریم کارگر نیکا رسوند... در این جلسه دو نفر از کارگران اخراجی شما بندگی شرکت کردند و به سئوالهائی از آنها پاسخ گفتند. زبان همچنان با ترکیب آنها مخالفت میکردند ولی اکثر مردها موافق بودند. در ابتدا یکی از کارگران مردحساب خود را از آنها اعلام کرد، سپس یکی دیگر از مردان دکمه های پیراهن را باز کرد و برسکس گوید و گفت: ما شکمان سیر است و از حال گرسنه های بیرون خبر نداریم.

اگرچه تا کنون مسئله اخراج کارگران حل نشده، اما تعطیل تلاشهای کارگران اخراجی در جهت آگاه کردن کارگران داخل از توطئه های کارفرما و جلب حمایت آنها مبارزه از طرف کارگران داخل خود آنها و شورای متحد برای برکنار آنها به کار خود همچنان ادامه دارد.

طبقه کارگر در مبارزه اش علیه
سرمایه دار، نیز از هرکس باید
به نیروی همبستگی و تشکلات خود
متکی باشد!

کارگری است!)... شما شدو با مدیریت شما این نمایندگانی که با هیاهو با منافع سرمایه امور شده و مطلوبها نومان پول این ملت قشر را بحدر (آقای مهندس بهرادی از شدت ناراحتی با این از اجراحسان بدست سرنوان کارگران، هدر را به صورتی که میشنیدیوسه اند!) داده اند داده شود." (تاکید از ماست)

(آقای بهرادی امروز با دسان افتاده که ملت ما قشر است، اما دیروز که آسانیوسی را در کنار مدیریت بدک میکشیدند، ملت ما قشر نبود!)، مدتی قبل همین مهندس بهرادی را در مقام خود انتخاب کرده و به سرکار خود میفرستید. اما شورای کارگری ما شین سازی پارس، بر اساس اراده و خواست تمامی کارگران از مدیریت وی خودداری کرده و با این دلیل که ورود وی شرکت موجب واکنش شدید کارگران خواهد شد، از ورود او به شرکت (با وجود حمایت کلیه مقامات مسئول از او) ممانعت بعمل آوردند.

از آن پس شورای کارگری مسئولیت شرکت را تا سعیده گرفت. شیرینت نیاز خوب و مناسب کار در مدت کوتاهی که مدیر پروژه را خراج کرده است، بار دیگر نشان داد که افرادی مانند بهرادی ها، خرسرکوب کارگران، اتحاد شرقیه در صفوف متحد و متشکل آنها، مبارزه با شدیکا ها و با شورا های واقعی، انجام اعمال ضد کارگری، حیف و میل نیروی و بروت جامعه و کرفتن حقوقهای کلان کاردیگری انجام نخواهند داد.

با وجودیکه کارگران پیشبینی نموده بودند که در صورت عدم مدیریت مهندس بهرادی، دستمزد ما هیانه آنها پرداخت نخواهد شد، اما مدیریت کار زیر نظر شورای کارگری، انضباط و اتحاد انقلابی و آهنین کارگران، موجب گردید که مقامات ضد کارگر نتوانند بهیچ شانه خود را عملی سازند.

کارگران ماشین سازی واحد هوا، از تشکل نوینی در یافته اند که اتحاد آهنین آنها ضامن اصلی مبارزه و پیروزی آنهاست. و نیز شورای واقعی آنها در صورت جلب حمایت کارگران می تواند وجود داشته باشد، و تنها آن شورائی واقعی است که متحد کارگران و متشکل از آگاهترین و فعالترین آنها باشد.

سرنوان باد دستهای متحد کارگران
ماشین سازی اهواز

بقیه در صفحه ۱۳

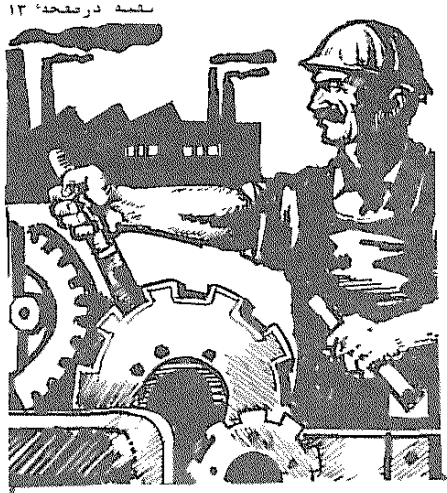

## کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند

# حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان

درشرایط کنونی علاوه‌برنشریات وروزنامه‌های علنی وغیرعلنی، درکارخانه‌ها و محلات مختلف وحتی دربارهای ازروستاها نیز نشریاتی چاپ ونشرمیشودکه به احوال وگزارشات آن کارخانه، محل ویا روستا اختصاص دارد. این نشریات بطورعمده نقش قابل ملاحظه‌ای در بالا بردن سطح آگاهی زحمتکشان وبویژه کارگران ودهقانان باری میکنند، بویژه آنکه با نثری ساده نوشته شده وبا بهائی نازل دراختیار آنها قرارمیگیرند.

ما به منظوراستفاده هرچه وسیعترگوشه‌هائی ازارزندگی ومبارزات زحمتکشان، ازاین پس ضمن درج قسمتی وبا قسمتهائی ازمندرجات این نشریات به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

"پیکار" نشریه این کارگری که توسط عده‌ای ازکارگران ایران ناسیونال منتشر میشود. این نشریه ضمن آشنا کردن کارگران با مبارزات عمومی مردم ایران برعلیه امپریالیسم وارتجاع، مسائل ومشکلات کارگری و بویژه مسائل مربوط به محیط کارخانه ایران ناسیونال را بررسی میکند. ازشماره ۶ این نشریه که بدست ما رسیده است مقاله‌کوتاهی را برای آشنائی خوانندگان انتخاب کرده‌ایم که درزیر می‌خوانید:

## انتظامات، حفاظت کمیته مستقر درکارخانه منحل باید گردد!

برادران کارگرهمانطورکه میدانید در رژیم شاه خائن برای سرکوب هرصدای حق‌طلبانه ما کارگران، ساواک به شیوه‌های مختلف سالای سرما حضورداشت وکارگران آگاه ومبارزرا تحت عنوان خرابکارو... تحت تعقیب قرارمیداد.

الان هم تعدادی که نکرده هیچ، عده‌ای گردن کلفت و ژ-۳ بدست هم به آنها اضافه شده‌اند.

پس ما شدنیم سرمایه‌داران وکارفرماها حکومت وباچه وسائلی توانسته‌اند ازما بهره‌کشی کنندوحکومت هم بکنند.

۱ - انتظاماتی که هروقت کارگری ازحق دفاع میکرد فوری اوراکتک زده وتحویل مدا طلاعات کارخانه می‌دادند.

۲ - نفرسرجهاز که این عده اکثریت کارگر هستندوبا اسم حفاظت انجمنی، درحقیقت نقش افرادخرجس راباری میکنند، این افرادازصبح تاشب کارشان اینست که ببینندکجا صنفی ازحق کارگروا عتصاب میکنندتافوری یک گزارش به کمیته بدهند وآن کارگررا اخراج وتنبیه کنند. افراد حفاظت انجمنی نقش سازمانی امنیت را دارند. آنها را خوب بشناسید.

۳ - کمیته مستقردرکارخانه (چماق سرکوب) این کمیته که حافظ منافع سرمایه داران (کارفرما) میباشدآماده است با صدای اعتراض واعتصاب کارگران بلند شود و آنوقت با اسلحه سراغ ما بیایند. نمونه این رادراعتصاب چندماه پیش خودمان دیدیم. ما باید این دشمن مسلح خود را بشناسیم.

برادران کارگرعلت اینکه اوضاع کارخانه وسرتمام جامعه بهم ریخته، علت اینکه ما هنوز خودرادردوران طاغوت حس می‌کنیم دراینست که هنوزرژیم سرمایه‌داری وابسته با ترجاب وبا سرمایه‌داری هست، ساواک هست، خرجس هست، پاسداروارس صدمردمی وزندان هم هست وهمه اینها به شکلها وحیله‌های مختلف دست بدست هم داده‌اند تا سرمایه‌داری راحفظ کنندوخون زحمتکشان را بمکنند.

## داشتن مسکن، آب وبرق حق مسلم زحمتکشان است!

نشریه "فریاد رورآباد" که توسط گروهی ازرحمتکشان تپه رورآباد کرج منتشر می‌شود، درشماره دوم خودمقاله‌ای داردتحت عنوان "خبر ازتپه" که درآن ضمن بررسی مشکلات محل از قبیل نداشتن آب وبرق سراسری، بدافشای هشت حاکم پرداخته واهالی رورآباد را به اتحادعمل درجهت تحقق خواستهای عادلانه‌شان فراخوانده است. دراداهٔ مقاله روی هشت حاکم، که هرکسی که درصدددفاع ازحقوق خود برآمده یا شده مارک ضدانقلاب میزند، بخوبی افشاء شده است. درهمین رابطه چنین می‌خوانیم:

"اهالی رحمتکش رورآباد مارک ضد انقلابی خوردند. دلیلش چیست که مارک ضد انقلابی بما رحمتکشان زده‌اند؟

دلیلش بخاطر اینکه آنها آب وبرق ودیگر وسائل رفاهی ازقبیل بهداشت عمومی، مسکن مناسب و... میخواهند چیزدیگری نیست.

مردم رورآباد ازکرج آب میکشند. یک سارازدیووبلوبرون بخش شدکه امام به اهالی رورآباد گفت: این کارشما ضدانقلابی است. شما نباید ازآب اینطوراستفاده کنید. این آب حرام است. پاشیول بدهید. مردم حاضرپول بدهندولی وقتی که ازآب نتوانند استفاده کنند، به اینکه ازنی آبی هر روز کار وزندگیشان وبچه‌هایشان را رها کنندو سطلهای آب را بردارندوبروندسراغ ولهای اطراف و یا سراغ فناری که درخیابان برعان است و رنها دوراین فناری جمع میشوند، وسرنگ سطل آب کارشان به دعوا وفحش کاری میکشد و آخر سرهم به مشت وبرنگی ازطرفین می انجامد. دلیل این همه محرومیت‌ها وریختها چیست؟

چرا باید درینک قدمی رورآباد ولای آدمهای مولدازآب داشته باشندولی رورآبادیهای فقیربرای یک سطل آب اینچنین رحمت ورحمت بکشند.

آقای قطب زاده رئیس رادیووتلویزیون درحرفهایشان می‌گویند:

با سرهنگها انقلاب کردندواین انقلاب با تمام مزایایش مال آنهاست. ولی کو؟ حرف حرف ما عملی ازدولت یا کاسی دیگر نفع رحمتکشان ندیده‌ایم؟ اگرما انقلاب کرده‌ایم باید بما آب وبرق بدهندولی ما عملاً می‌بینیم که حرفهای آنها دروغ است چون ما چشم داریم، گوش وعقل. آنها می‌گویندبا سرهنگها انقلاب کرده‌اند، ولی به ولایتهای پول دارنمیرسند. به نصب دستگاه ونقاط دیگر. ولی ما مارک ضدانقلاب میزنند. این است مزایای انقلاب برای پابرهنگان؟!

آقای فرماندارکرج درسخنرانی که برای اهالی کرج میکرده‌میگفت: این آب حرام است. ولی یکی ازکارگرها گفت "اگرشما پول بدیدیک روزبجای ماریدگی کنیددراین محل، آنوقت شما راست می‌گوئید".

شما درپیرس وبلا با آب سردوگرم در سرها باید هم بگویند آب حرام است. وهر وقت که مایل باشندمیتوانندبدوشی هم بگیرند ولی ما حاضرنیم. ما آب میکشیم، به شما وبه هیچکس دیگرنمی‌تواندحلوما را بگیرد. درجامعه سرمایه‌داری ما کارگران وزحمتکشان کارمی‌کنیم، جان میکنیم وخون می‌خوریم، دستهایمان پاول میزند، کمرمان خم میشود، ولی ثمرهٔ کارما را کسی سرمایه‌دار را لوصف می‌فایندودست آخرما را بایدبیخ فرسوده‌ای از کارخانه‌ها بیرون می‌اندازند. خواستاریم ما بهیرزندگی میکنیدآنها درطبیعت از آب استفاده میکنیدولی ما ازابتدائی‌ترین حق انسانیمان، یعنی آب، برق، مسکن و... محرومیم. ما هیچ چیزداریم که ازدست بدهیم. وفقط با اتحاددرمیان خودمان وسایر زحمتکشان دردیگرنقاط ایران میتوانیم رژیم فقروگرسنگی وبیچارگی را ازبین ببریم و سرمایه‌داران ستمگررابدیروی اتحادزحمتکشان، محرومان وزحمتکشان، برای اعتصال طالمانه وستمکشان برسانیم!

● ● ●

## ■ مهاباد

۵۸/۹/۳ ـ تظاهرات وسیعی از طرف مردم مبارز مهاباد بعنوان اعتراض به سخنان توهین آمیز منتظری امام جمعه تهران صورت گرفت که در آن شعارهائی به طرفداری از رهبران و شخصیت‌های ملی و مذهبی کردستان داده شد. در این تظاهرات و همچنین تظاهرات شهرهای دیگر کرد ـ نشان موج جدید اعتراضی برپا گردید و در اغلب این تظاهرات شعارهائی بر علیه سازش‌کاران و فرصت طلبان از آن جمله "حزب توده" مطرح گردید و این تاثیر میگذارد که خلق زرمنده کردستان سوی نوین ضربه داد. آنها هنوز فراموش نکرده‌اند که همین حزب توده ایران در خزان سالهای ۲۰ تا ۳۲ مرتکب چه خیانتهائی در حق خلقهای ایران شد. اینک این حزب با اعتراض قاطعانه خلق ستمدیده کردروبرو است. چه در جریان جنبش مقاومت کنونی خیانتهای حزب توده را درک نموده است. و بهمین دلیل شعار میدهند.

"توده بی دژی چه لکه، تا ما توده می که لکه"، "ای توده‌ای ضدخلقی برا نمیخواهم تمری برای خلق بداری"، "حزب توده سازشکار، فرصت طلب خیانتکار، مرگ بر حزب توده" "دفتر حزب توده، تعطیل باید گردد".

آنها بر علیه سخنان منتظری سر شعار می‌دادند و می گفتند:

"منتظری عدله ب ده‌کا، بدوهس به حه لکی کوردده‌کا"، "منتظری غلط میکند، که به خلق کرد توهین میکند".

## ■ مریوان

(منقل از خبرنامه کومه‌له ۱۵ مورخ ۵۸/۹/۸)

بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۹/۴ چند صد نفر از رزمندگان سازمان زحمتکشان (کومه‌له) به دنبال درخواست مردم مریوان و پس از تصمیم فرماندهی نیروهای پیشمرگه، در میان استقبال انقلابی مردم مبارز مریوان وارد شهر شدند. کارگران، بازاریان و دانش آموزان مدارس در حالیکه شعار "ژی هری کومه‌له، کاک شواد یان لدگه‌له" (زنده باد نیروهای کومه‌له ـ که کاک شواد همراه آنهاست) را تکرار میکردند، به پیشواز پیشمرگان رفتند. نظم حرکت پیشمرگان در سه ردیف در میان شور و شوق و شادی مردم منظره خاصی به شهر داده بود. عده‌ای از شوق میگریستند و عده‌ای از ته دل می خندیدند و عده‌ای بر سر پیشمرگان نقل و نبات میریختند. لحظه به لحظه بر شعداد استقبال کنندگان اضافه میشد و بازار نیز تعطیل شده بود.

## چمران و دیگر جلادان خلق کرد را باید محاکمه کرد

مصطفی چمران اکنون وزیر دفاع جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب است. او دوره ضد خلقی خود را در ضدیت با خلق فلسطین و نیروهای مترقی لبنان و مشارکت در سرکوب آنها همدست با نیروهای دست راستی لبنان دیده است. پس از واژگونی رژیم سابق توجه به قدرتی که با سادات (بردی و طباطبائی و ...) در دستگاه حاکمه دا شتند به ایران آمد و تجارب ضد انقلابی خود را در بازسازی "ساواک جدید"، در کمک همه جانبه نظامی و مالی به سازمان دست راستی امل در لبنان، و بالاخره در جنگ اخیر و فروری در کردستان بکار گرفت. او دا رودسته قبا ده موقت را "مهمان" ایران خواند، او ما سد پهلوان پنبه‌ها در کردستان رجز خواند که هم برای رزم آماده است و هم برای بزم. و اگر مقاومت مسلحانه و قهرمانانه خلق کرد نبود بر احتمال خلق کرد بزم خود را بپا میکرد. اما پوزه او و همدستانش در کردستان بخاک مالیده شد. آنها با رهم در کردستان جنگ افروزی میکنند و نمونه‌اش اعلامیه غلاظ و شدادی است که روز جمعه همزمان با حمله و بدگوئی آیت الله منتظری به رهبران خلق کرد صادر شد و بدستور چمران نفسیرهای تحریک‌کننده‌ای از بخش کردی رادیو همراه با تهدیدهای شدید پخش گردید.

چمران با پدیده طرحهایاتش در لبنان علیه خلق فلسطین که همرزم و همسنگر خلقهای ایران است و هم با طرحهایاتی که در کردستان مرتکب شده همراه با همدستانش در دادگاه انقلابی خلق محاکمه شود.

### تظاهرات مردم محمودآباد (شمال) برای انحلال کمیته شهر و افشای قانون اساسی

بدنبال اعمال ضد مردمی کمیته محمودآباد، مردم شهر که دیگر به تنگ آمده بودند در روز سه شنبه ۹ آذر متحداً خواستار انحلال فوری کمیته و محاکمه عناصر فاسد آن شدند.

جمعیت انبوهی از جوانان شهر، کارگران دهقانان و مادران مهمین منظور دست بیک راه‌پیمائی اعتراضی زدند و خواستار اعلام رسمی انحلال کمیته شدند. این خواست در اثر فشار مردم انجام گرفت و آخوند شهر رسماً انحلال کمیته را اعلام کرد. راهپیمایان که با استقبال وسیع مردم روبرو شده بودند ضمن دادن شعارهای مدا سیر بالستی و ضد ارتجاعی و حمایت از مبارزات عادلانه خلقها همچنان تحریم رفراندم قانون اساسی، پس از دو ساعت راهپیمائی در جنب ژاندارمری اجتماع کرده و طی خواندن قطعنامه دیپلمه‌های بیکار دست به افشای رژیم و عوامل کمیته و مضمون قانون اساسی خرگان زدند.

جمعیت در پایان با دادن شعار "کردستان کردستان گورستان فاشیستان" به آرامی متفرق شدند.

## جلادان اهالی دهکده های "قارنا" و "کانی مام سید" باید محاکمه گردند

(روزنامه اطلاعات ۱۳ آذرماه ۱۳۵۸)

**حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست**

# جنبش دهقانی

## باهم بکارید ای دستهای توانای روستائیان شوشتر

کشاورزان روستای نعیم‌آباد از توابع سوسنگرد که حدود ۲۰ خانوار در آن زندگی می‌کنند، بر روی زمینی کشت میکنند که از آن فردی بنام "راتق" میباشد. فرد مذکور در شهر شوشتر صاحب تنها فروشگاه پلاستیکفروشی شهر است. چندی قبل کشاورزان دسته‌جمعی به سر مزرعه رفته و وسایل کار و بچه خود به شخم آن می‌پردازند. فردا صبح که راتق جهت سرکشی زمین به ده می‌آید، خود را با عمل روستائیان روبرو میبیند. وی فوراً به شهر برگشته و یک ماشین بزرگ، سنگ برای حصارکشی دور زمین به روستا می‌فرستد و خود نیز همراه با افراد مسلح کمیته بدنبال آن می‌آید.

کشاورزان با مشاهده افراد کمیته در کنار "راتق" بخشم آمده و در دور زمین مزروعی دست به تظاهرات زده و شعار می‌دهند که "تا فتح زمین‌های "راتق" نهضت ادامه دارد". و چون در مقابل این عمل متحد دهقانان کاری از عهده راتق و افراد کمیته بر نمی‌آید، دست از پا درازتر به شهر برمی‌گردند.

روستائیان قهرمان نعیم‌آباد تا کنون زمین را در اختیار خود دارند.

★ ★ ★

کشاورزان روستای "محله" از توابع شوشتر به تاریخ ۵۸/۹/۵ دست به تصرف زمینهای امیرحسین خان زده و بطور مشترک دست به شخم زمینها میزنند. این عمل قهرمانانه آنان با استقبال روستائیان دهات مجاور روبرو شده و آنان نیز دست به تصرف زمینهای همین فرد میزنند. روستائیان این دهات بطور شورائی زمینها را در اختیار خود گرفته‌اند و هم اکنون اولین بذر اشتراکی را بر زمینها می‌پاشند.

## هرچه گسترده‌تر باد جنبش‌های حق طلبانه دهقانان علیه ملاکین!
## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان!

مبارزات دهقانان بر علیه زمینداران در مازندران اوج تازه‌ای یافته است. در همین رابطه "حوزه مازندران" سازمان اعلامیه‌ای انتشار داد و در آن رهنمودهائی را به دهقانان مبارز ارائه کرده است. در زیر متن این اعلامیه و بعضی اخبار مبارزاتی دهقانان (اطراف آمل و نور) را مطالعه میکنید:

## مبارزه علیه مالکین بزرگ از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

شور ضد امپریالیستی نوینی که در میان توده‌های عظیم میهن ما دمیده شده و همه اقشار و طبقات زحمتکش را به حرکت درآورده است، در میان دهقانان نیز بی‌تابی شیرینی شوده و تحرک تازه و امیدبخشی را در میان آنها بوجود آورده است. این شور مبارزاتی و ضد امپریالیستی در میان دهقانان، در ادامه خود وسعت بیشتری یافته و همراه با آن موجی از جنب و جوش و مبارزه در میان دهقانان بی زمین، این ستمکش‌ترین قشر روستائی، علیه ملاکین و زمینداران بزرگ برانگیخته شده است.

ما طی همین مدت کوتاه دهها نمونه از این مبارزات را در روستاهای ("کما نگرکلا"، "انبار ده"، "کلیکان"، "چنگاز" و ...) سراغ داریم و اخبار رواصله از سایر شهرستانها و نیز صفحات روزنامه‌ها گویای این مدعاست. تاکنون در برخی از دهات چون "علی آباد" "کما نگرکلا" "چنگاز" و ... دهقانان با پیگیری و یکپارچگی فراوانی که در طی مبارزات، از خود نشان داده‌اند به پیروزی رسیده‌اند و در سایر دهات نیز در آستانه پیروزی هستند.

این حرکت علیرغم سنگ اندازیها و توطئه‌های ملایان مرتجعی که این تصرف زمین را "غصب" دانسته و به اصطلاح از نظر شرعی حرام قلمداد کرده بودند، صورت گرفته است.

این مبارزات علیرغم تبلیغات نیروهائی مانند "حزب توده" که چنین حرکاتی را انحرافی و بعنوان اخلال در مبارزات ضد امپریالیستی قلمداد می‌کنند صورت گرفته است. آنها بدروغ ادعا میکنند که مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین علیه زمینداران بزرگ در درون نیروهای ضد امپریالیستی شکاف انداخته و مبارزات ضد امپریالیستی ما را از مسیر اصلی خود منحرف می‌کند!

حال آنکه مبارزه واقعی علیه امپریالیسم را در شرایط کنونی نه زمینداران و ملاکین بزرگ، نه سرمایه‌داران و تجارگردن کلفت بلکه همین توده‌های عظیم کارگر، دهقان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه است که به نیروی سرنگونی رژیم سازش و سرکوب و ساختاری همین ها صورت گرفته است.

در شرایط کنونی که در رابطه با روستائیانی که زمینهای ملاکین را به تصرف درآورده‌اند و که در رابطه با آن روستائیانی که هنوز مشغول مبارزه برای تصرف زمینهای مالکین بزرگ هستند، نکاتی را باید یادآوری نمائیم که در جهت ادامه این مبارزه و حفظ دستاوردهای مبارزاتی شان ضروری بنظر می‌رسد:

۱ ـ دهقانانی که زمین و کم زمینی که هنوز به پیروزی دست نیافته‌اند باید برای پیشبرد مبارزات خود و خلوگیری از تفرقه، و برای حفظ یکپارچگی خود در مقابل زمینداران و مالکین بزرگ حتی‌المقدور از نمایندگان خود انتخاب کنند که از بهترین، مبارزترین و آگاه‌ترین آنها باشند. این نمایندگان رهبری مبارزه را بعهده گرفته و به آن نظم می‌بخشند.

۲ ـ دهقانان باید بوسیله جلسات عمومی با یکدیگر تشکیل دهند تا در جریان سیر مبارزه بوده و ضمن جمعبندی از حاصل کار خود، راههای پیشبرد مبارزه خود را در آینده تعیین کنند و از اختلاف و چندگانگی جلوگیری شود. این مطلب برای دهقانانی که به پیروزی دست یافته‌اند نیز مادق است چرا که انتخاب نمایندگان آگاه و مبارز و برگزاری جلسات عمومی، دستاوردهای مبارزاتی آنها را در مقابل توطئه‌های بعدی مالکین، حفظ میکند.

۳ ـ دهقانان باید سعی کنند که از بروز دهقانان مرفه در میان خود جلوگیری کنند و نگذارند که رهبری مبارزات شان بدست آنها بیفتد. آنها همچنین باید از نفوذ ملایان و عناصر مرتجعی که بهیچ وجه از درد و رنج دهقانان بی زمین و کم زمین بوئی نبرده‌اند در میان خود جلوگیری کنند تا آنها ... سدی در مقابل مبارزات دهقانان ایجاد نکنند و تا احتمالاً از دستاوردهای مبارزاتی دهقانان زحمتکش بنفع خود، سود نجویند. این امر برای دهقانانی که به پیروزی دست یافته‌اند نیز قابل توجه است. چه با نفوذ دهقانان مرفه و ملایان در میان آنها و تفرقه انداختن در میانشان، زمینه برای توطئه‌ها و دسایس ملاکین فراهم می‌شود.

۴ ـ دهقانان باید با آنجا که میتوانند با سایر روستاهائی که چنین مبارزاتی در آنها وجود دارد تماس گرفته و مبارزات شان را با یکدیگر هماهنگ نمایند. دهقانان در این راه باید از کمک روشنفکران انقلابی و گروهها و سازمانهائی که در راه رهائی زحمتکشان مبارزه میکنند، سود جویند.

آری، همه این مبارزات و جنبشهای دهقانی علیه زمینداران بزرگ، در مبارزه فعال آنها علیه امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا و پیمانهای سازش زحمتکشان

بقیه در صفحه ۱۴

## کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

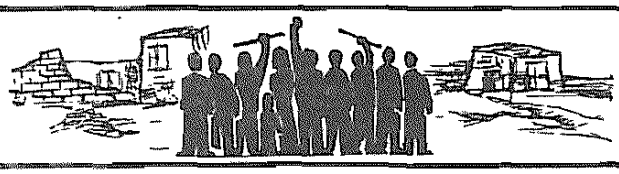

# ریشه‌های بحران مسکن در ایران
## - ۲ -

جدول ۴ وضعیت و نحوهٔ تصرف واحدهای مسکونی توسط خانوارها را در شماری سال ۴۵ نشان میدهد. همانطورکه ملاحظه میشود در سال ۴۵ در کل کشور ۱۶/۲٪ از خانوارها در خانه‌های اجاره‌ای زندگی میکرده‌اند. علت پائین بودن این رقم در سطح کل کشور ساختمان های روستائی است زیرا در روستاها عمدتا ساختمان‌های مسکونی بصورت ملکی است و خرید و فروش منازل و اجاره دادن بعلت عدم رشد تولید کالائی کمتر رواج دارد. رقم مربوط به اجاره در مناطق روستائی که در سال ۴۵، ۵/۱٪ است این واقعیت را بخوبی نشان میدهد. حال آنکه در شهرها ۳۳/۴٪ از خانوارها بصورت اجاره‌ای زندگی میکرده‌اند. و ارقام مربوطه در مورد شهرهای استان مرکزی به رقم قابل ملاحظه ۳۹/۲٪ می رسد.

البته واضح است که اجاره‌نشینی در ایران همواره در حال رشد بوده است زیرا جمعیت شهری سریعتر از ساختمان منازل مسکونی رشد کرده است. این جریان را در جدول ۵ و نمودار ۳ که رشد جمعیت و رشد تعداد واحدهای مسکونی را در فاصلهٔ سالهای ۵۵ - ۵۱ نشان میدهد، بخوبی میتوان دید.

بهرحال طبق اعتراف کارشناسان رژیم سابق در کشور ما هر سال در شهرها به ۲۰۰ هزار واحد مسکونی جدید احتیاج است (نگذریم از واحدهای فعلی مسکونی در شهرها با خصوصیاتی که قبلا شرح دادیم) که این سویژه برای شهرهائی که بصورت حیرت آوری نیروی انسانی مناطق روستائی را جذب میکنند، به رقمی حدود ۸۲/۸۰۰ واحد مسکونی در سال میرسد (طبق همین اظهار نظر ۱۶۵ هزار خانوار در تهران مستاجرند). (*)

این بودشمه‌ای از وضعیت بحرانی مسکن در ایران. علیهذا بایستی به علل و عوامل بنیادی این مسئله که ریشه در اقتصاد بیمار و علیل حاکم بر کشور دارد و هرچند گاه آنرا در دستور بحث های روزمردم قرار میدهد بپردازیم. اما ببینیم که از دیدگاه ما آن مسائل اساسی که گره‌گاه اصلی بحران مسکن در ایران میباشند. حکومت بوده و امروز به چه صورتی است؟

همانطورکه گفتیم نظام سرمایه‌داری به طور کلی با تمایل گریز ناپذیر بسوی سلب مالکیت از مالکین کوچک و انباشت و تمرکز ابزار تولید در دست قشر و عدهٔ معدودی جهت غارت و استثمار زحمتکشان همراه است. و نیز گفتیم که مسئلهٔ مسکن به تنها در کشور ما بلکه در دیگر کشورهای سرمایه‌داری با شدت کم و بیش در اینجا و آنجا وجود دارد.

طبیعتاً هنگامیکه مسئله ابزار تولید و مالکیت خصوصی بر آن مطرح میشود، زمین نیز بعنوان یک منبع طبیعی شروط از این قاعده مستثنی نیست. هنگامیکه مسئله مالکیت خصوصی بر زمین مطرح میگردد زمین نیز قاعدتاً میتواند بعنوان یک کالا مورد مبادله و خرید و فروش قرار گیرد و قیمت آن نیز در بازار بر حسب عرضه و تقاضا، میزان سرمایه گذاری و نرخ سود که خود وابسته به میزان انحصار و احتکار آن درجامعه میباشد، تعیین میشود. گرایش به همسطحی نرخ سود در رشته‌های مختلف اقتصادی یکی از اصول مسلط بر یک بازار سرمایه‌داری در دوران رقابت آزاد است در حالیکه در این مسئله در دوران امپریالیسم و انحصارات و بویژه در کشور ما که سلطه انحصار - طلبانه انحصارات امپریالیستی و وابسته داخلی بر تار و پود اقتصاد آن مسلط بوده است قیمت و ارزش کالائی چون زمین و ساختمان نه در ارتباط با آزاد و با گرایش به همسطحی (که نتیجه آن پس از مدتی بعلت مستقل شدن کلیهٔ سرمایه‌ها به آن رشته کاهش نرخ سود در ساختمان سازی و زمین سازی است) بلکه عمدتاً ناشی از احتکار و تسلط انحصارطلبانه بر این بخش اقتصادی نظیر بخشهای دیگر بوده است.

دنباله دارد...

(*) - کیهان ۱۱ تیر ۵۶

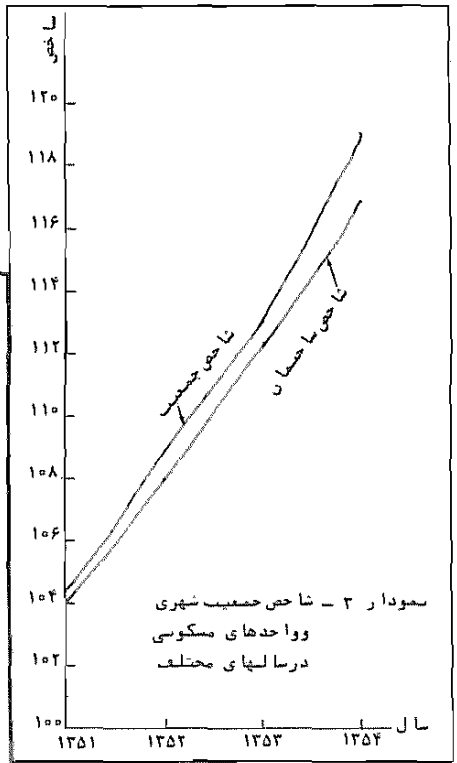


جدول ۴- درصد خانوارها در مناطق کشور برحسب نحوهٔ تصرف واحدهای مسکونی

| مکان | ملکی (اعرصه و اعیان) % | ملکی (اعیانی) % | اجاره‌ای % | سایر % |
|---|---|---|---|---|
| کل کشور | ۵۹/۴ | ۱۲/۲ | ۱۶/۲ | ۱۲/۲ |
| نقاط شهری | ۵۰/۴ | ۴/۵ | ۳۳/۴ | ۱۱/۷ |
| نقاط روستائی | ۶۵/۲ | ۱۷/۲ | ۵/۱ | ۱۲/۵ |
| استان مرکزی | ۵۱/۷ | ۶/۵ | ۲۹/۱ | ۱۲/۷ |
| نقاط شهری | ۴۸/۲ | ۲/۱ | ۳۹/۲ | ۱۰/۵ |
| نقاط روستائی | ۵۹/۹ | ۱۷/۰ | ۵/۲ | ۱۷/۹ |

ماخذ- نتایج سرشماری عمومی جمعیت و مسکن کل کشور در سال ۱۳۴۵- مرکز آمار ایران

جدول ۵ - تعداد ساختمان ها و جمعیت شهرها در سالهای مختلف

۱۳۵۰=۱۰۰ (هزار)

| سال | ساختمانهای موجود در مناطق شهری: تعداد | ساختمانهای موجود در مناطق شهری: شاخص | جمعیت ساکن در مناطق شهری: تعداد | جمعیت ساکن در مناطق شهری: شاخص | تعداد افراد ساکن در یک واحد مسکونی: تعداد | تعداد افراد ساکن در یک واحد مسکونی: شاخص =۱۰۰ ۷/۳۵ |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۳۵۱ | ۱۷۵۸ | ۱۰۲/۱ | ۱۲۹۳۱ | ۱۰۴/۳ | ۷/۳۵ | ۱۰۰ |
| ۱۳۵۲ | ۱۸۲۵ | ۱۰۸/۱ | ۱۳۴۹۶ | ۱۰۸/۹ | ۷/۳۹ | ۱۰۰/۵ |
| ۱۳۵۳ | ۱۸۹۷ | ۱۱۲/۲ | ۱۴۰۱۲ | ۱۱۳/۰ | ۷/۳۹ | ۱۰۰/۵ |
| ۱۳۵۴ | ۱۹۷۵ | ۱۱۶/۹ | ۱۴۶۸۷ | ۱۱۸/۵ | ۷/۴۴ | ۱۰۱/۲ |

ماخذ- مرکز آمار ایران

داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

## اطلاعیه
## گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر

ورق پارهٔ "رنجبر ارگان سازمان" ضد انقلابی" در شماره ۳۶ مورخه ۳۰ آبان خود مطلبی تحت عنوان "سیانیه بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر" درباره پیوستن به باصطلاح "کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران" درج کرده است که ما خود را موظف به ذکر نکته زیر دیدیم: هیچ فردیا بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر به باصطلاح "کمیته ایجاد حزب کمونیست ایران" پیوسته و اصولا اعضاء اخگر با این کمیته و ما در آن یعنی "سازمان اتحاد مبارزه..." را تشکلهائی ضد کمونیستی و ضد انقلابی میدانند. درحقیقت بیانیه مزبور نوشته فردی از اعضاء سابق اخگر است که حدود ۷ ماه قبل بعلت فقدان پرنسیپ و تجربه سیاسی و تشکیلاتی از گروه اخراج شده است.

اعضاء اخگر اعتقاد دارند که همواره از مواضع انقلابی طبقهٔ کارگر دفاع کرده و دفاع خواهند کرد و بر خلاف خواست نویسندهٔ بیانیه مزبور هیچگاه به تملق گوئی از قدرتهای فاسد نپرداخته و نخواهند پرداخت.

ما استفاده از نام گروه اخگر از طرف فرد مزبور را عملی سیاه و به دور از دردی سیاسی قلمداد میکنیم و بیانیهٔ بی محتوایی و دروغگو بودن سازمان "ضد انقلابی" و شرکاء میدانیم.

"گروه مارکسیستی - لنینیستی اخگر" ۵۸/۹/۳

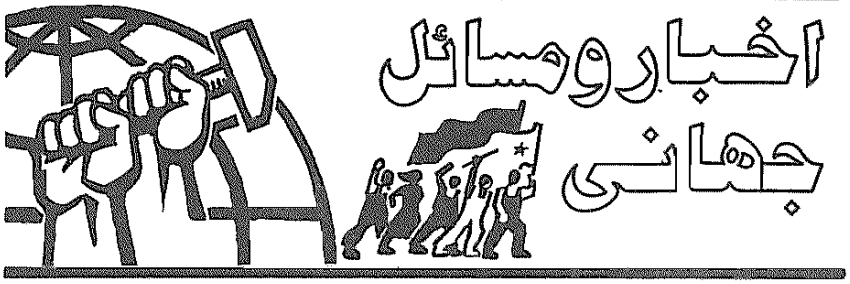


## توطئه جدید "امل" علیه مردم فلسطین و لبنان و نقش آقای چمران و طباطبائی

سازمان دست راستی "امل" در لبنان که گوشه‌هائی از ماهیت و عملکرد آن را در شماره‌های گذشته به نگارش در آوردیم، هم اکنون به کمک همدستان ایرانی خود مثل چمران، طباطبائی و ... و از برکت پول و امکانات و تسلیحاتی که به جای فلسطینی‌ها! از ایران دریافت میدارد به صورت یک خطر جدی برای انقلاب فلسطین درآمده و نقش ارتجاعی خود را در ایجاد تفرقه بین توده‌های شیعه در جنوب لبنان و سنا هدگان فلسطینی نشان میدهد. سازمان امل و مرتجعین شیعه که بر شورای عالی شیعیان در لبنان مسلط هستند در تبلیغات خود برای مردم لبنان چنین وانمود میکنند که گویا فلسطینی‌ها میخواهند جنوب لبنان را به عنوان وطن و محل اقامت دائمی خویش بدانند و لبنانیها را از جنوب اخراج کرده، خود بجای آنها ساکن شوند! تاکنون هیچ فلسطینی و هیچ نیروی مترقی لبنانی تصور آنرا هم نکرده است که فلسطینی‌ها دست از وطن خود بشویند و جای دیگری را بعنوان وطن بپذیرند. لکن این دروغهای توطئه‌آمیز هم اکنون از سوی "امل" و دیگر سروهای دست راستی و عمال اسرائیل منتشر میشود. از این طریق ارتجاع شیعه میکوشد توده‌های ناآگاه و محروم جنوب لبنان را به ضد انقلاب فلسطین و نیروهای مترقی وادارد. انقلاب فلسطین تاکنون نهایت صبر و حوصله را در مقابل این توطئه رذیلانه بکار برده است اما امل و همدستان آن دست بردار نیستند. خبرنویس زیر این حقیقت را فاش می‌سازد:

"روز عاشورا مقابل حسینیه واقع در محله برج البراجنه بیروت و در حالیکه صدها دکتری از مردم برای بزرگداشت این روز اجتماع کرده بودند یکی از افسران الفتح بوسیله افراد "امل" مورد اصابت گلوله قرار گرفته کشته می‌شود. مقاومت فلسطین برای جلوگیری از نسخ عکس العملی نشان نمی‌دهد اما وضع متشنج میشود. بلافاصله پس از این ترور با حوادث ناگوار، سازمان امل و دارودسته کامل‌الاسعد (که از عناصر دالهای سرسپاس جنوب لبنان و رئیس پارلمان این کشور است) و بر عده‌ای از افراد درگیر ۲ لبنان (که مثل ساواک مشهور است) و عده‌ای از عناصر دست راستی لبنان که گوش بزنگ توطئه هستند، حدود ۵۰۰ نفر مسلح را بسوی حسینیه مزبور می‌فرستند تا در برابر اقدام متقابل فلسطینی‌ها دست به عمل بزنند."

امل برخلاف ادعای چمران و طباطبائی سلاح خود را بسمت فلسطینی‌ها! و نه اسرائیل، نشانه رفته است. از سوی دیگر سید حسن حسینی نوه آیت الله حسینی که چندی پیش به جنوب لبنان رفته بود و مقاومت فلسطین را تائید نموده و ضرورت همکاری و همبستگی بین شیعه‌های جنوب و فلسطینی‌ها را مورد تاکید قرار داده بود هم اکنون مورد خشم دارودسته امل قرار دارد و به او ناسزا می‌گویند.

در پایان این یادداشت عکسی از صادق طباطبائی را که همسنگر پیش حاب کرده و او را در اسفرم امل نشان می‌دهد، می‌آوریم. البته بلوشرون قطب زاده هم با افتخار نام طباطبائی را در لیست امل برای مردم ایران نشان داد!

## تظاهرات ضد امپریالیستی دانشجویان لبنانی و عرب مقیم ایران

روز شنبه ۳ آذر ماه به دعوت دانشجویان لبنانی دانشگاه تهران و با مشارکت دانشجویان عرب و ایرانی یک راهپیمائی ضد امپریالیستی به سمت جاسوس خانه آمریکا آغاز شد. دانشجویان با پلاکاردها و شعارهای خود مراتب تنفر خویش را از امپریالیسم و ارتجاع اعلام کرده از مسئولان طلفهای ایران و عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی نمودند.

راهپیمائی با صفوف منظم به محل جاسوس‌خانه آمریکا رسید. وقتی از بلندگوها اعلام شد که نظاهرکنندگان لبنانی هستند هزاران نفر از مردمی که در آنجا اجتماع کرده بودند فریاد زدند: درود بر برادر لبنانی، نوره، نوره حتی النصر (انقلاب، انقلاب تا پیروزی) و "امروز ایران، فردا فلسطین".

سپس یکی از دانشجویان لبنانی بسمت تریبون قرار گرفت و پس از شعارهای درود بر خلق قهرمان ایران، "مرگ بر کارتر، ساداتی، بگین" و "مرگ بر ارتجاع" طی سخنانی از روح گسترده مبارزات ضد امپریالیستی در ایران پشتیبانی کرد و اظهار داشت که اقدام به تسخیر سفارت آمریکا را نیاز جزئی از روح ضد امپریالیستی مردم ایران تلقی کرد.

وی سپس قطعنامه مشترک را به زبان فارسی قرائت نمود که در آن چنین آمده بود:

۱ - ما از اشغال مرکز جاسوسی آمریکا پشتیبانی کرده و آنرا گام کوچکی میدانیم که باید در خدمت نبردهائی و پیروزیهای بعد علیه امپریالیسم قرار گیرد.

۲ - ما از کلیه نیروهای انقلابی و توده‌ای خلق‌های ایران و عرب میخواهیم که در نبرد علیه امپریالیسم متحد شوند.

۳ - ما از کلیه نیروهای انقلابی عرب می‌خواهیم که با خلق و نیروهای انقلابی ایران در نبرد علیه امپریالیسم مشارکت فعال نمایند.

۴ - ما خواستار قطع کامل نفوذ و سلطه امپریالیسم در کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... می‌باشیم.

۵ - ما نیروهای ارتجاعی عرب و غیرعرب را که در صدد زیر ضد امپریالیستی مردم ایران شرکت نکرده‌اند محکوم می‌کنیم.

۶ - ما اتحاد "دولت لبنان آزاد" به سرکردگی "سعد حداد" را محکوم کرده تا زمانی که این دولت دست نشانده را خواهانیم.

۷ - ما هرگونه تهدید تا حالت نظامی علیه ایران را محکوم کرده، این تلاشهای امپریالیسم آمریکا را مکمل توطئه ضد فلسطینی و ضد عربی و ضد انقلابی کمپ دیوید میدانیم.

حمله اراذل و اوباش به دانشکده نفت بردارى

شب سه‌شنبه ۵۸/۹/۱۳ عمال ارتجاع ضمن حمله به دانشکده نفت بردارى، کلیه اعلامیه‌ها و پوسترهای موجود در دانشکده را پاره کرده و فلیم و وسائل کتابهای دانشجویان را سرقت نمودند.

دانشجویان بعنوان اعتراض کلاسهای چهارشنبه ۵۸/۹/۱۴ را تعطیل کردند و تکیفیه به مسئولان امر مهلت داده‌اند تا نسبت به شناسائی و دستگیری و محاکمه مزدوران ساواک اقدامات لازم را معمول دارند. دانشجویان مرتبط با گروه‌های سیاسی ضمن صدور اعلامیه‌ای تکمیلی این اقدام ارتجاعی را محکوم نموده‌اند.

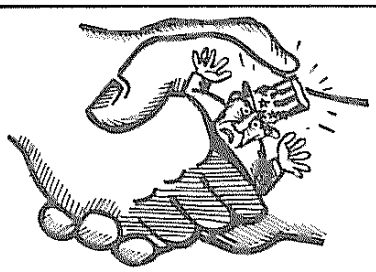

# رفراندوم قانون اساسی "خبرگان"

## و موضعگیری‌های نیروهای مختلف سیاسی دربارهٔ آن

-۲-

درشماره قبل راجع به قانون اساسی خبرگان صحبت کردیم وگفتیم که چگونه این قانون با توجه به اینکه به خواستهای دموکراتیک وضدامپریالیستی توده‌ها پاسخ نمیدهد و با توجه به اینکه حقوق مسلم و اولیهٔ کارگران، یعنی حق اعتصاب را به رسمیت نمی‌شناسد و ۴۰ ساعت کار در هفته را برای آنها قبول ندارد... قانونی ضدانقلابی و ارتجاعی است. با توجه به این مسئله و همینطور چگونگی تشکیل خبرگان ما شرکت در رفراندوم قانون اساسی را تحریم انقلابی کردیم. و اینک می‌پردازیم به موضعگیری جریانها و نیروهای مختلف سیاسی:

### لیبرالها و قانون اساسی

الف ـ لیبرالهائی که در انتخابات شرکت کردند

جریانهای مختلف بورژوازی لیبرال بسته به سهم داشتن یا نداشتن در قدرت سیاسی فعلی، مواضع به ظاهر متفاوتی در مقابل قانون اساسی گرفتند. جریانهائی نظیر "نهضت آزادی ایران" که با نمایندگانی چون بازرگان، سحابی و... در هیئت حاکمه حضور دارند، و یا حزب ملت ایران، که فروهر در رأس آن قرار دارد، برای تثبیت موضع و موقعیت خویش و درست بهمین دلیل که این قانون نه منافع خلق بلکه منافع بورژوازی را تامین میکند به آن رای مثبت دادند. آنها بخصوص از آنجا که اهمیت "نظم" را برای حفظ موقعیت کنونی بورژوازی لازم میدانند. با این قانون موافقند، سحابی در مصاحبهٔ تلویزیونی بخوبی با تکیه زیاد به لزوم نظم این خواست را بیان میکند. بازرگان در این مورد می‌گوید:

دیشب مهندس مهدی بازرگان در حسینیهٔ ارشاد طی یک سخنرانی دوساعته از مردم دعوت کرد که با تعقل و اندیشه و با توجه داشتن به اینکه این انقلاب باید بماند و از هر دسیسه‌ئی برکنار باشد به قانون اساسی رأی مثبت بدهید و بدانید که در کنار این قانون اساسی است که مملکت از میان امواج هرج و مرج به ساحل نجات و رهائی خواهد رسید.

می‌بینیم که بازرگان قانون اساسی را برای رهائی از "هرج و مرج" و در واقع برقرار کردن "نظم" مورد نظرش می‌خواهد، اما او اسم چه چیزی را نظم می‌گذارد؟

(بامداد، شنبه سوم آذرماه)

مهندس بازرگان در ۹ ماه گذشته نشان داده است که نظم از نظر او، یعنی اینکه با خیال آسوده و راحت به بازسازی ارتش با همان ساخت ضدخلقی بپردازد، و کسی اعمال او و فرماندهان مزدوری را که او برمی‌گمارد، افشا نسازد... از نظر او نظم یعنی کارگران سی‌کارگر سنه بخواهند و حتی بمیرند ولی اعتراض نکنند، بلکه "صبر" بکنند....

از نظر او نظم یعنی کارگران ساعل فریاد نزنند که سرمایه‌های وابسته باید ملی شود، نگویند ۴۰ ساعت کار در هفته، و سرمایه داران وابسته را از کارخانه‌ها اخراج نکنند، از نظر او نظم یعنی فراهم آوردن شرایطی برای بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته و به راه انداختن کامل آن و...

آری نظمی که او از آن نام می‌برد یعنی "دیکتاتوری بورژوائی" یعنی حاکمیت طبقات و اقشار بورژوائی و ارتجاعی بر خلق. و این نظمی است که همهٔ لیبرالها آنرا دوست دارند!

ب ـ لیبرالهائی که در انتخابات شرکت نکردند

جریانهای دیگر بورژوازی لیبرال، نظیر "جبههٔ ملی ایران"، "جمهوری خلق مسلمان" و آیت الله شریعتمداری، در این انتخابات شرکت نکردند. آنها برای کار خود "دلائلی" داشتند. "جبههٔ ملی ایران" از آنجا که در "خبرگان" نماینده‌ای نداشت و یا بهتر بگوئیم از آنجا که اساساً نتوانسته است در قدرت حاکمه سهم پیدا کند، فرمولی برای تصویب قانون اساسی "خبرگان" ارائه میدهد که بخوبی امیال خودغرضانه‌اش را به نمایش می‌گذارد:

"... پیشنهاد میکنیم در اوضاع و احوال فعلی دستور فرمائید انجام رفراندوم بطور موقت متوقف شود و انتخابات مجلس شورای ملی براساس هر یک صد هزار نفر اهالی کشور یک نفر نماینده برای مردم انجام گیرد و طرح مصوب مجلس خبرگان و همچنین طرح پیشنهادی دولت موقت و سایر پیشنهاداتیکه برای تکمیل طرح مذکور تنظیم و ارائه شده است به مجلس شورای ملی داده شود... (تا) به کار تدوین قانون اساسی نیز بپردازد..." (از نامه "جبههٔ ملی" به امام خمینی، آذرماه ۵۸)

آری، آنها می‌خواهند در چنین مجلسی (مجلس شورای ملی) حضور یابند و فرصت جانه زدن برای به کرسی نشاندن خواستهای بورژوائی خود داشته باشند. ممکن است پرسیده شود مگر نه اینکه همین قانون اساسی بورژوائی است پس چرا اینان راضی نشده است؟ در پاسخ باید گفت قانون اساسی فعلی در عین حال که ماهیت کاملا بورژوائی و ارتجاعی دارد ولی بدلیل اینکه قید و بندهای مذهبی برپای آن زده‌اند، بدلیل اینکه به "قشر ممتاز روحانیت" موقعیت خاصی بخشیده است، حکومت کاملا بورژوائی را تضمین نمی‌کند و حاکمیت کل بورژوازی را با حقوق برابر در نظر نگرفته است، و به همین جهت جبههٔ ملی مجبور است هنوز برای داشتن حق برابر با دیگر جریانهای بورژوائی جانه بزند. هرچند که دیگر عمر تاریخی شان سر آمده باشد.

حزب جمهوری خلق مسلمان و آیت الله شریعتمداری شریعتمداری "تا قبل" در قانون اساسی اشاره کرده و آنرا نشانهٔ عدم شرکت خود در رای گیری می‌نماید: "حزب جمهوری خلق مسلمان" عمدهٔ دلیل خود را، برای عدم شرکت "ابهام و تناقضات این متن (که) حاکمیت ملی را نقض میکند" اعلام کرده است (شماره ۱۶ روزنامهٔ خلق مسلمان). در این بیانیه ضمن اشاره به اصول ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۹۳ و ۹۲ و ۹۶ که بدرستی بیان آشکار نقض آراء ملت و ولایت فقیه است، آمده است که: "در اصل پنجاه و ششم متن مزبور گفته شده که به موجب یک حق الهی انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم می‌باشد و هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند، پس چگونه بموجب اثر مواد این متن پیشنهادی فقیه اختیاراتی پیدا کرده است که میتواند این حق ... را ... از آنان سلب کرده یا کنترل نماید". در واقع لب مطلب مخالفت با ولایت فقیه است. چرا که اینان با حاکمیت فقهای مورد نظر آیت الله خمینی، نیک میدانند که نخواهند توانست در قدرت سهیم باشند تا بتوانند امیال و خواستهای بورژوائی شان را تحقق ببخشند.

آیت الله شریعتمداری اصلی ترین علل عدم شرکت خود را چنین توضیح میدهد:

"دو اصل ۶ و ۵۶ که مطابق مقررات شرعی نیز میباشد، حاکمیت ملت را تثبیت و تقریر کرده اما اصل ۱۱۰ قانون اساسی اختیارات مردم را از ملت سلب کرده ..."

بنابراین می‌بینیم علت اصلی مخالفت او همین اصل ۱۱۰ است که اختیارات بسیار زیادی را بطور انحصاری در دست آیت الله خمینی متمرکز میکند.

یعنی او با اصل ۵ یعنی ولایت فقیه مخالفتی ندارد، اما با نحوهٔ پیاده شدن آن که در اصل ۱۱۰ بطور مادی و مشخص آمده است مخالفت میکند.

جوهر هر دو استدلال حزب جمهوری خلق مسلمان و آیت الله شریعتمداری یکی است: مخالفت با انحصارگری آن جناح از روحانیت که گرد آیت الله خمینی جمع شده‌اند. و بلاش برای کسب آزادی برای سهیم شدن در قدرت است.

وجه مشترک لیبرالهائی که در انتخابات شرکت نکردند و آنها که شرکت کردند

اما تمامی لیبرالها چه آنانکه در قدرت سهم دارند و چه آنها که در قدرت سهم ندارند در یک چیز و در یک خصلت اساسی با هم یکی هستند و آن "خودعرضی" و فرسنگها فاصله داشتن از خواستها و توده‌ها و ایراداتی که از نقطه نظر منافع آنان به قانون اساسی وارد است.

می‌بینیم نه لیبرالهای سهیم در قدرت

◄

**قانون اساسی "خبرگان" زنجیریست به پای زحمتکشان**

( نظیر فروهر، سحابی ، بازرگان) و نه لیبرالهائی که درقدرت سهم ندارند ( نظیر آیت الله شریعتمداری وجبهه ملی و...)هیچ ـ کدام ازیادیده گرفته شدن حقوق خلقها ، به رسمیت شناخته شدن سرمایه داری وابسته ، بایمال کردن حق اعتصاب برای کارگران و محدود نکردن مالکیت بزرگ و... حرف نمی ـ زنندونمی توانندهم بزنندچراکه آنها اساساً مرغد زحمتکشان ومنافع آنان هستند. آنها که درقدرت سهم دارندآنرا برای "نظم"، برای نوسازی سیستم سرمایه داری وابسته ایران با اعمال دیکتاتوری خودوباراتشان لازم میدانند و آنها که درقدرت سهیم نیستندازاینکه با موانعی نظیرولایت فقیه ، وباقدرت دادن بیش ازحدبه آیت الله خمینی ، که باعث میشود که اینها بقدرت دست پیدا نکنندناراضی اند و تنها مخالف "انحصارطلبی" قدرتمندان هستند ولا غیر . بنابراین هردوفقط وفقط بخودفکر میکنندوبه منافع بورژوائی خود.

## رویزیونیستها وقانون اساسی

الف : موضعگیری رویزیونیستهای سه جهانی :

: آنها با عنوان ساختن تضاد ساختگی به عنوان تضاد "عمده "یعنی تضادخلق با امپریا ـ لیسم بویژه دوابرقدرت آمریکا وشوروی"وشعار" قراردادن آن میگویند:

"قانون اساسی جدید مترقی "است ( اعلامیه سه سازمان رویزیونیست سه جهانی ـ سازمان انقلابی وشرکاء ـ درتاریخ ۵۸/۹/۵ ) .

آری، ازنظرآنان باید هم این قانون "مترقی" باشدچراکه آنان اردرون مرداب رویزیونیستی خودحرف میزنندونمیتوانند شکوه وخروش خلق ما را برعلیه امپریالیسم آمریکا بشنوندبلکه آنها اردیدن این مبارزه افسرده خاطرمیشوند ! چراکه آنرا به ضرر رویزیونیستهای حاکم میدانند ! آنان اردرک تضادعمیق خلق ما با امپریا ـ لیسم آمریکا عاجز هستندوبهمین خاطر آنها نه فقط ازاینکه قانون اساسی "خبرگان" از دشمن اصلی خلقهای ما یعنی امپریالیسم آمریکا اسمی نمیبرده ناراحت نیستند ، بلکه قلباً راضی سرهستند. آنها نه فقط از اینکه این قانون خواهان قطع سلطه امپر ـ یالیسم آمریکا نیست ، ناراحت نیستند بلکه امیدوارند نیز برلیان خودداردند ، چراکه ازنظرآنان باقی ماندن واادامه سلطه امپریالیسم آمریکا ،بخاطرطوفانی از سقوط شوروی نه فقط بد نیست بلکه بسیار خوب نیز هست آنان نیز خودرودهای زحمتکش وخلق ـ های بپاخواسته ایران که تنها با اتکاء بر آنها میتوان فصل قطع سلطه امپریالیسم آمریکا ما یعنی ازشوروخاکستر سوسیال امپر ـ یالیسم روس برایزان گردید، رابطه ای نمی بینند. بنابراین خاموشی صدا انقلاب وبا هرگونه بهانه وارتجاعی که بسبب سه سوسیال ـ امپریالیسم روس گرایش نداشته باشند و سب کنند . دراین راه است که آنان به خلقهای ما نسبت کرده اند، برخلاف خلق کرد میهرباشند میرسند، چراکه "حزب دموکرات "جزء یکی ازنیروهای سیاسی کردستان است .بنابون اساسی را مترقی میدانندچراکه خواهان قطع سلطه امپریالیسم آمریکا نیست .

ادامه دارد...

مراسم پرشکوه روز دانشجو چگونه برگزار شد ؟

دانشجو، محصل ،پیوند بازحمتکش ،پیوند بازحمتکش

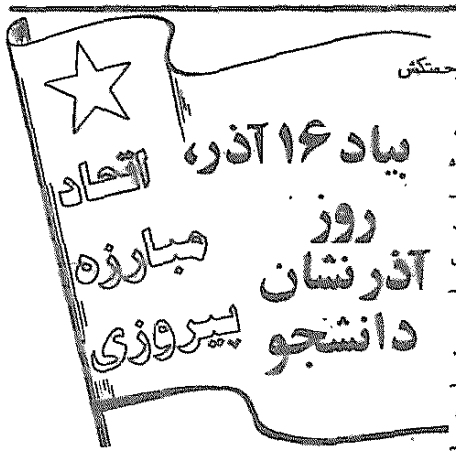


اینک در تلاطم امواج خروشان مبارزات خلق، قطره های خون سه شهیدفدا امپریالیست دانشگاه مهدی شریعت رضوی ، احمدقندچی ومصطفی ـ بزرگ نیا تازه تر ازهمیشه می درخشدوبیاد می آوردکه این سه دانشجوی مبارز، آتش مبارزه را برعلیه امپریالیسم ورژیم دست ـ نشانده اش ، پرشررتر نمودند.

هر سال در۱۶ آذر، دانشجویان سوگند خویش را درنبردبیگیروتابای جان با امپریا ـ لیسم وارتجاع ، تجدیدمیکنندوشجاعانه همچنان به پیش می روند. ۱۶ آذر روز آذر ـ نشان مبارزه دانشجو، سمبل مبارزات همواره خروشان دانشجویان است .

برای تحکیم سوگندوتجدیدعهدبا دانشجو ـ یان شهید، دانشجویان مبارز، دانشجویان هوادار راه کارگرودانشجویان هوادارسازمان پیکاردرراه آزادی طبقه کارگر در دانشکده پلی تکنیک گرد آمدند.علاوه بر دانشجویان ، دانش آموزان وگروههای مختلفی ازمردم نیز دراین مراسم شرکت داشتند.

دانشجویان درسخنرانی هائی ازامپریالیسم وارتجاع گفتند ،ازکردستان قهرمان وازمبارزات خلق تجلیل کردندوشعرهای انقلابی خواندند.

دانش آموزان سرود سردادند. شریعت ـ رضوی ، قندچی و بزرگ نیا را خواندند که در نامشان خون سرخ شما می شهیدان دانشگاه متبلور است . آنان که سرفرازانه درمبارزه با امپریالیسم ودیکتاتوری رژیم وابسته شاه خائن ، خون خویش را به پیشگاه خلق قهرمان ایران هدیه کردند، وپس ازسرنگونی سلطنت جبار پهلوی ، از آنجاکه آتش عشق به خلق درسینه پرازشورشان شعله میکشد، ازمبارزه با ارتجاع وضدخلق دست برنداشتندودراین راه به شهادت رسیدند. نامهرتوخاطرات که در سنگرمبارزات کارگران شهیدندوباخون خویش پیوندکارگرودانشجورا میکند، اسمی نامهید ـ ها ، شهربانیها وسپرشکاری ها که بجرم دفاع ازآرمانهای خلق ، شهیدشدندو...دهها ودهها دانشجوی شهیدکه نامشان درسینه خلق حک میشودوخاطرهشان قلب مبارزان راسرشار از اراده وشورانقلابی میسازد.درودبرودا

بسامی نیراروی کارگران سیگارفروانده شد. کارگران آگاه مبارزات ضدامپریالیستی دانشجویان را بمثابه متحدان خویش ارج می نهند. مراسم پایان میگیردوراهپیمائی بسوی دانشگاه تهران آغاز میشود.

صف بهم فشرده راهپیمایان ، موج ـ وار درسینه خیابان می لغزدوپیاپی تمامی شهیدان را بهمراه می آورد.

"خون شهیدان خلق،میدهدت این پیام:مرگ بر آمریکا ، مرگ برارتجاع !"

پلاکاردها برفراز جمعیت آویخته است . شعارها امپریالیسم وارتجاع را هدف قرار داده است :

" مرگ برآمریکا ، دشمن اصلی ما "

صف واحد ،اتحاد را ندا می دهد :

"اتحاد ،اتحاد ،علیه امپریالیسم"

. فریادها ،دانشجودانش آموزمبارزرا به سوی کارگران وزحمتکشان فرا میخوانند ، آنجا که نیروی لایزال خلق نهفته است :

"دانشجو ،محصل پیش بسوی پیوندبا مردم زحمتکش! "، " دانشجو ،محصل پیوندبا زحمتکش پیوندبا زحمتکش! "

فضا پرازفریادمبارزه است وسینه ها لبریز ازشوق :

"سرمایه وابسته بدست زحمتکشان ملی باید گردد ! " .

تک صداهائی ازگوشه وکنار رسمی میکنند این فریادمتحدانه را بشکنند ، اما موفق نمی ـ شوند. جمعیت درپیچ ده روبا شوق به صف می ـ نگردوراهپیمایان همچنان به پیش میروند :

"قانون اساسی خبرگان،زنجیرست بپای زحمت ـ کشان "،"فقروستم ،استثمار درقانون خبرگان، همچنان پابرجاست "

آری، تنها کسانی بواقع ضدامپریالیست هستندکه درکنارزحمتکشان قراردارند ونه درمقابل آنان :

"کرد ،عرب ،ترکمن،مبارزواقعی علیه امپریالیسم"

"مبارزنزلی،خلق دلاورکرد ،مبارز واقعی علیه امپریالیسم ".

تنها نیروی خلق است که پیگیرانه مبارزه ضدامپریالیستی را پیش می راند، چراکه رهائی اودرقیدنابودی این غول جهانخوار است :

"بازگشت شاه خائن،اعدام شاه خائن، کوچکترین خواست خلق " ،"مهمترین خواست خلق، نابودی آمریکا ، نابودی ارتجاع ".

صف به دانشگاه نزدیک میشود ، شعار همیشه پرفروش دانشجویان فضا را پرمیکند:

"اتحاد، مبارزه ، پیروزی "

خیابان میلرزد، صف طولانی راهپیما ـ یان وارددانشگاه ،این سنگرآزادی میشود. فریاد"اتحاد ،مبارزه ،پیروزی" ، همچنان بلند است .

راهپیمایان به دانشکده می میرسند ، آنجاکه خون اولین شهیدان دانشجوگلگون کرده بود .پس از آنروردانشگاه هرگزآرام نبوده است . هرسال دانشجویان شهیدشدند ، بچک ساواک افتادند ،ولی ازمبارزه روی برنتا ـ فتند. واینک ، جمعیت دردرگاه دانشکده می، نیادتمامی آنان،وتمامی شهدای دانشجو درودمی فرستند. ما هم به این شعله های سرکش درودمی فرستیم ،یادشان گرامی باد ! ■

بقیه از صفحه ۲

بدمناسبت ...

وسایل مشکل می شدند. کمیته ایالتی حزب توده که در فروردین ۱۳۲۱ شروع به فعالیت کرد تا زمانی که تشکیلات فرقه دموکرات ایران رسماً فعالیت خود را آغاز کرد (۱۲ شهریور ۱۳۲۴) تنها تشکیلات سیاسی بود که جنبش دهقانی و زحمتکشان آذربایجان را رهبری میکرد. زحمتکشان زیر فشار طاقت فرسای زندگی و سرکوب وحشیانه هیئت حاکمه به حزب توده روی می آوردند. ولی حزب توده و رهبری اپورتونیست آن حزبی نبود که بتواند این سیل خروشان توده ها را رهبری کند. رهبران حزب توده هیچ روی انقلاب اجتماعی را نمی خواستند. این کارگزاران خرابکار از حمله اوباش و جاسوسان به سازمان های حزب خود و جرح و کشتار اعضاء و هواداران و زحمتکشان مالدوزاری کنند هیچ کاری بجز مماشات و آن انجام نمی دادند. این مسئله و وجود یک موقعیت انقلابی برای یک قیام توده ای مسلحانه و آزادیخواهان آذربایجان را بر آن داشت که تشکیلات مستقلی برای خود بوجود آورند و انقلاب اجتماعی را با هدف سرنگونی ارتجاع و امپریالیسم در دستور روز کار دارند. بنیان گذاران حرکت انقلابی سید جعفر پیشه وری کمونیست انقلابی و فرزند خلف آذربایجان بود. پیشه وری از مبارزان دلیر آذربایجان بود که دوران کودکی خود را با رنج و مشقت فراوان سپری کرده و در ۱۲ سالگی به قفقاز مهاجرت کرده بود. او در مبارزات انقلابی روسیه عملاً شرکت کرده بود. سپس به ایران آمده و برای مرکزی اتحادیه کارگران را بوجود آورد. در بهمن جنگل شرکت کرده و بالاخره در سال ۱۳۰۹ بوسیله ماموران رضاشاه دستگیر و محکوم به زندان شد. پس از آن پیشه وری تا سال ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه و اشغال ایران توسط متفقین عمر خود را در زندانهای استبدادگذراند.

سید جعفر پیشه وری پیشقدم در راه تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان بود. تشکیل فرقه بدون اطلاع حزب توده و سپهبان صورت گرفت و دولت شوروی انجام گرفت. موسس فرقه معتقد بود که حزب توده تشکیلاتی است با رابطه ایرانی که از آن برای انجام انقلاب و تحول اجتماعی کاری ساخته نیست در حالیکه فرقه دموکرات وظیفه خود را انقلاب ملی و دمکراتیک قرار داده بود.

همانطور که اشاره کردیم، جنبش دمکراتیک آذربایجان علیرغم عارضه ها و کمبودها و پیشینه هایه پیش می تاخت. سپاهیان عظیم آزادی فریاد می زدند "باید دولت آزادیخواه و پشتیبان دموکراسی در ایران برسرکار آید، ملت ایران باید حاکم بر سرنوشت خود باشد." زحمتکشان می خواستند آزادی آذربایجان پایگاهی برای آزادی سراسر ایران باشد. آنها خود در قیام دلیرانه خود در صدر مشروطیت رهبری ستارخان و خود در قیام دیگر خود رهبری شیخ محمد خیابانی نشان داده بودند که آذربایجان قلب تپنده انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران است و فرقه دموکرات نیز در آغاز امر

> ● جنبش دمکراتیک آذربایجان و تشکیل حکومت ملی، حلقه های سراسر کشور را به هیجان درآورد. درآورد. همه به حق منتظر بودند که حکومت ملی بسیج نظامی داده و برای سرنگون کردن حکومت تهران حرکت کند. شکی نبود که اوضاع انقلابی در سراسر کشور موجود بود و زمان برای تصفیه حساب با ارتجاع و امپریالیسم فرا رسیده بود. ولی این انتظار بیهوده بود زیرا فرصت طلبانی که به قدرت رسیده بودند، دیگر منافع خود را تامین یافته میدیدند. بورژوازی که در قدرت قرار گرفته بود، مانع از حرکت قاطع و انقلابی خلق مسلح برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی شده بود.

کدسارگاران و عناصر وابسته به بورژوازی هنوز در درون آن رخنه نکرده بودند از زبان پیشه وری اعلام میکرد:

"ما هیچوجه در صدد تجزیه نیستیم. ما می خواهیم که در حدود سرحدات ایران ... در کارهای داخلی خود مختار باشیم."

در صفحات آینده به اختصار نشان خواهیم داد که فرقه دموکرات بخاطر ضعفهای درونی خود و انحرافاتی که در آن وجود داشت نه تنها نتوانست به اهداف توده های زحمتکش که اکثریت آنان را دهقانان تشکیل می دادند جامه عمل بپوشاند بلکه در چهارچوب هدفهای محدود ملی هم ناکام گردید - امری که ناگزیر بود و هست.

نگاهی به نظرات فرقه دموکرات

اولین بیانیه فرقه دموکرات در ۱۲ شهریور ماه ۱۳۲۴ که حاوی نظرات اساسی موسس آن بود انتشار یافت. پس از چندی کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان که ۶۰ هزار عضو داشت بدون اجازه کمیته مرکزی حزب، جدائی خود را از حزب توده اعلام داشته و به فرقه دمکرات آذربایجان پیوست.

بیانیه فرقه و عملکردهای بعدی آن نشان از انحرافات قابل ملاحظه ای بود که رهبران آن داشتند. نظر موسسین فرقه، مبارزه ملی میتواند جدا از مبارزه طبقاتی باشد: "فرقه ما فرقه ای است ملی و لذا بدون در نظر گرفتن طبقات، عموم جماعت را زیر پرچم خود فرا می خواند." (۳) و "راه ما کاملاً درست و روشن است. ما در فکر مبارزه طبقاتی نیستیم فرقه ما به تمام معنی فرقه ای است ملی". بدین ترتیب بود که فرقه دموکرات ایران جریانی بود که بجای آنکه متکی به دهقانان و زحمتکشان آذربایجان باشد در دست بورژوازی و حزب بورژوازی قرار گرفت و این طبقات مواضع مهمی را در تشکیلات فرقه اشغال کرده و در موقع خود بیشترین ضربه را به جنبش دمکراتیک آذربایجان وارد آوردند. مرامنامه انحرافات اساسی آنرا نشان میداد. در بند ۷ مرامنامه آمده بود "موسس فرقه دموکرات آذربایجان بخوبی میداند که نیروی مولد ثروت و قدرت اقتصادی نیروی توانای دهقانان است. لذا این فرقه نمی تواند جنبشی را که در میان دهقانان بوجود آمده نادیده بگیرد. از این لحاظ فرقه سعی خواهد کرد که برای تامین احتیاجات دهقانان قدمهای اساسی بردارد. مخصوصاً سعی خواهد شد حدود مشخص بین ارباب و دهقانان و جلوگیری از مالیاتهای غیرقانونی که بوسیله بعضی از اربابان اجراء شده یکی از وظایف فوری فرقه دموکرات است. فرقه سعی خواهد کرد این مسئله به شکلی حل شود که هم دهقانان راضی شوند و هم مالکین به آینده خود اطمینان پیدا کرده و با علاقه و رغبت در آبادی ساختن ده و کشور خود بکوشند. زمینهای خالصه و زمینهای متعلق به اربابانی که آذربایجان را ترک کرده و فرار اختیار نموده اند و محصول دسترنج خلق آذربایجان را در تهران و سایر شهرها به مصرف می رسانند چنانچه بزودی مراجعه ننمایند، بنظر فرقه دمکرات باید بدون قید و شرط در اختیار دهقانان قرار گیرد" و "اختلاف موجود بین دهقانان و ارباب از طریق صلح و سازش حل میشود" (۴) و "کارگران و کارفرمایان دست بدست هم دهند و همه طبقات از هرگونه مبارزه طبقاتی انصراف حاصل کنند زیرا مبارزه طبقاتی نیز از گرفتن آزادی میسر نخواهد بود. اول ملت باید حق و اختیار قانونی خود را بدست آورد، بعد در اطراف کم و کیف آن مبارزه کند" (۵). بهرحال فرقه دموکرات با در پیش گذاشتن برنامه ای که منافع بورژوازی ملی - لیبرال ایران را تامین میکرد عملاً دچار انحرافات بزرگی شد و خود همین انحراف یعنی جدا کردن مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی بود که فرقه را به سازشکاری کشاند و آخر سر با بورژوازی ارتجاع حاکم قیام توده ها پایمال گردید.

ادامه دارد ...

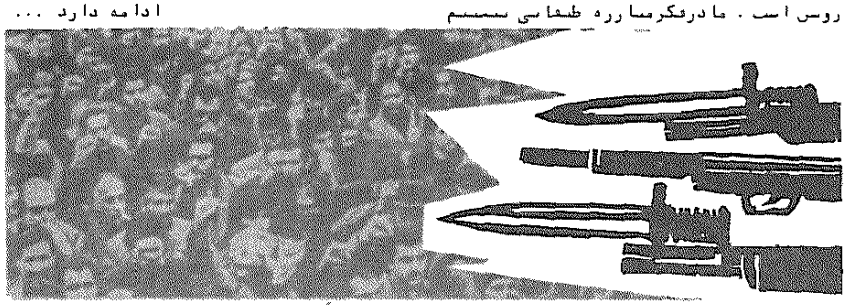

(۱) - "کدسه جراغ را دآینده است"، نقل قولهای صفحات آینده نیز بطور عمده از همین منبع گرفته شده است.

(۲) - بخاطر آنکه انقلاب بورژوا دموکراتیک یعنی ما علیرغم ۷۰ سال تلاش نتوانستیم برسیده است، امروز هم همان حق کشیها و خیانت در روز را می بینیم. برای مثال قانون اساسی "جمهوری" حقوق ملیت ها را مسکوت میگذارد و دولت جمهوری اسلامی همدست آقای جمران و اعمال اوین فئودالهای کرد و بلوچ اسلحه بخش میکند تا لابد از "انقلاب" (؟) دفاع نمایند!

(۳) - آذربایجان، شماره ۱، ۲۴/۶/۱۲ (نقل از "کدسه جراغ را دآینده")

(۴) - همان ماخذ، نقل از آذربایجان، شماره ۲ مورخه ۲۴/۶/۱۷

(۵) - همان ماخذ، نقل از آذربایجان، شماره ۵ مورخه ۲۴/۶/۲۶ .

بقیه از صفحه ۴

## قطع دست کارگر، در جامعه سرمایه داری ...

دستهای توانای کارگران بسیار سرمایه‌ها می آفریند. اما سیاهی سرمایهٔ کارگر بازوان اوست. آنگاه که کارگری در جامعهٔ سرمایه‌داری دستهایش را از دست بدهد، برای او معنی از دست دادن وسیلهٔ زندگی، از دست دادن نان و آب، معنی فقر و سیه‌روزی و در یک کلام معنی نابودی است. روز سه‌شنبه ۵۸/۹/۳ در کارخانه ری.ا.و. واک حدود ساعت ۱۰ صبح فریادهای دلخراشی کارگران را از کارخانه و سراسیمه به قسمت خوطی سازی کشانید. آنجا، دست کارگری زیر غلطک مانده و له شده بود. چشمان تمامی کارگران به دست خونین رفیقشان دوخته شده بود. و یک فکر با صاحب در مغزشان منجر شد و آزارشان میداد: هر یک از آنها می‌باید منتظر چنین سرنوشتی باشد. یکی از کارگران فکرش را بیان کرد: "این به اولین یا آخرین بار، فردا نوبت کیست؟" تنها آمبولانس کارخانه کارگر دیگری را به بیمارستان برده بود.

سیاه سرمایه‌داران که کک‌شان نمی گزد. کارگر برای او مانند "ابزار" است. و او وجدانی دارد که به آسانی این ابزار ناقص را با ابزار سالمی عوض کند؟ حل بیکاران پست در هزارهای کارخانه خیال او را راحت کمتر و کارگر را خسته کرده است. کارگر هم ابزار بحوئی میداند. در بیمارستان، زمانی که کارگر مصدوم به هوش می آید، اولین سخنی که بر زبان می آورد این است: "دستم را قطع میکنید؟ پس تکلیف زن و بچه‌ام چه میشود؟". آری، او در عمل از دست دادن دستش نیست. نگران نامش معاش است. آخر در جامعه‌ایکه میلیونها انسان با دستهای سالم بیکارند، کارگری با دستهای ناقص چه تضمینی میتواند داشته باشد؟

این واقعیت کثیف جامعهٔ سرمایه داری است. و این فجایع تا زمانی که کارگران همچون ابزاری در خدمت سرمایه‌داران و حکومت‌های حامی سرمایه قرار بگیرند، همواره تکرار خواهد شد. تنها زمانی (حادثه)، فاجعه نخواهد بود (بدلیل وجود امکانات کافی، وسایل ایمنی و تأمین بودن زندگی جانشین کارگر حادثه دیده) که کارگران خود قدرت را در دست بگیرند و حکومت زحمتکشان را برپا کنند. آنگاه زندگی تمامی کارگران و زحمتکشان جامعه، تضمین خواهد شد. و اکنون، کارگران با دولتی ضد انقلابی روبرو هستند که مبارزات آنان را بر علیه ظلم و ستم سرمایه‌داران، عملی "ضد انقلابی" میخواند و حتی برای اعتصاب ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین میکند. در مقابل چنین حق‌کشیهایی کارگران باید خود دست بکار شوند و در دره حقوقشان را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشند. حق بیمه بیکاری، یکی از این حقوق ابتدائی کارگران است که زحمتکشان جامعه ما از آن محروم‌اند. کارگران با گرفتن هر یک از حقوق خویش سرمایه‌داران را وادار به عقب نشینی میکنند. علاوه بر آن از مبارزه خود نیرو می آورند و در پرتو تجارب خود و آگاهی مشکل تر میشوند. و برای نابودی نهائی استثمار به پیش می روند.

مهمترین سلاح کارگران در این مبارزه حیاتی، وحدت و تشکیلات است.

## پیروزی کارکنان شرکتهای حفاری و خدمات جنبی

کارکنان مبارز شرکتهای حفاری و خدمات جنبی که با خواستهای ایجاد شرکت ملی حفاری ایران و استخدام کلیه ۴۵۰۰ پرسنل شرکتهای حفاری و خدمات جنبی در شرکت ملی حفاری و جلوگیری از خروج دکلها و لوازم یدکی حفاری از ایران، از روز یکشنبه ۲۷ آبان در محل اداره مرکزی شرکت نفت دست به تحصن زده بودند، همچنان به مبارزه پیروزمند خود ادامه داده و در محل اداره مرکزی تحصن داشتند.

روز پنجشنبه اول آذر کارکنان متحصن پنجمین و ششمین بیانیهٔ خود را صادر کردند. در پنجمین بیانیه از عدم انعکاس خواسته‌های خواستهٔ خود که در مسیر واقعی مبارزات ضد امپریالیستی توده‌هاست، از وسایل ارتباط جمعی انتقاد کرده و خواهان پشتیبانی نیروهای انقلابی شده بودند.

در ششمین بیانیه کارکنان حفاری ضمن اشاره به اخراج کارکنان زحمتکش شرکت هالیبرتون این اقدام را یک عمل امپریالیستی به منظور پراکنده کردن تخصص‌های فنی صنعت حفاری برای زمینه‌سازی بازگشت مجدد کارشناسان و جاسوسان خارجی قلمداد کرده و آن را اقدامی از طرف دشمنان مردم دانسته بودند. در این بیانیه ضمن تاکید بر خنثی کردن کلیه توطئه‌های عوامل امپریالیسم جهانخوار توسط نیروها و اقشار انقلابی با دیگر خواهان پشتیبانی نیروهای انقلابی شده بودند. لازم به تذکر است که در پنجمین بیانیهٔ تحصن و مبارزات کارکنان حفاری، از طرف شرکت هالیبرتون کلیه کارکنان اخراج شده و حکم اخراج آنها در روزهای آخر آبان صادر شده بود.

روز یکشنبه چهارم آذر هیئتی از طرف وزارت نفت برای مذاکره به اهواز وارد شد. دو تن از اعضای هیئت اعزامی از تهران، بنام مهدوی و نظرنیا از چهره‌های شناخته شده و معروف صنعت نفت هستند. مهدوی کسی است که در موقع خروج دکلهای حفاری شرکت آمریکائی "ساسافه" امضای او برای اوراق خروج قرار گرفته است. همچنین نظرنیا در طی مدتی که از طرف شرکت نفت سرپرستی شرکت حفاری سد کوه سدا را بر عهده داشت بخوبی ماهیت ضدکارگری خود را نشان داده بود.

روز سه‌شنبه ششم آذر ساعت ۱۲ هیئت اعزامی به منظور مذاکره با نمایندگان شورای کارکنان به محل اداره مرکزی شرکت نفت (محل تحصن) آمدند و تا ساعت ۵ بعدازظهر با نمایندگان به مذاکره پرداختند.

بعد از مذاکرات، نمایندگان کارکنان و هیئت اعزامی در جمع کارکنان متحصن حاضر شده و آنگاه نمایندگان اعلام کردند که پس از ساعتها بحث به توافقهائی با هیئت اعزامی رسیده‌اند و سپس متن توافقنامه قرائت شد.

## کارگران بیکار بدون توجه به تهدید پاسداران راهپیمایی کردند

### کامیاران

با وجودیکه سپاه پاسداران مستقر در کامیاران ضمن صدور اعلامیه‌ای مردم را تهدید کرده بودند که هرگونه اعتصاب، تحصن و راه‌پیمائی را با شدیدترین وجهی سرکوب خواهند کرد، ولی کارگران بیکار این شهرستان در تاریخ ۵۸/۸/۲۶ بدون توجه به تهدید پاسداران سرمایه، دست به تظاهرات زدند. حمایت مردم مبارز کامیاران از این تظاهرات بحدی بود که پاسداران جرأت نکردند به آن حمله کنند. در پایان تظاهرات قطعنامهٔ کارگران بیکار خوانده شد که در زیر خلاصهٔ چند بند آن را ملاحظه می کنید:

۱ ـ اتحاد کارگران برای کلیه بیکاران
۲ ـ پرداخت حق بیمهٔ بیکاری
۳ ـ اتحاد کارخانه‌ها در شهرهای کوچک
۴ ـ بستن ارتباط قطعنامهٔ ۸ ماده ای تهیه شده
۵ ـ پشتیبانی از خواستهای مردم مبارز کامیاران (تأمین آب، برق، بهداشت، مسکن و ...)
۶ ـ تقسیم زمینهای موروثی مثودالهای مرتجع منطقه بین دهقانان زحمتکش، بخصوص زمینهای روستای الک و مازاب که توسط دولت ضبط شده است. (*)
۷ ـ محکوم نمودن سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان مخصوصاً سرکوب مبارزات ماهیگیران ایرلی و خلقهای عرب، ترکمن و کرد.

تظاهرکنندگان اعلام کردند که اگر پس از یکهفته به خواستهای آنها رسیدگی نشود در تجمع کامیاران تحصن خواهند کرد.

(*) ـ لازم به تذکر است که زمینهای روستاهای الک و مازاب در زمان رژیم منفور پهلوی توسط خودشان زحمتکش مصادره شده بود اما ارتجاع در پوشش جنایتکارانه‌اش به کردستان زمینهای این دو آبادی را ارتکاب ورزان پس گرفت.

**حق "بیمهٔ بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل**

روز سه‌شنبه سوم آذر قبل از مذاکره هیئت اعزامی با نمایندگان شورای کارکنان حفاری و خدمات حسینی اطلاعیه‌ای از طرف هیئت تحت عنوان "هیئت تشکیل و تجهیز شرکت ملی حفاری ایران" صادر شده و ضمن آن از مقدمات تشکیل شرکت ملی حفاری تحت سده و سپس تشکیل هیئت مامور رسیدگی به سوابق خدمت و انجام امور استخدام را به منظور جذب کارکنان نیمه‌کاران حفاری و شرکتهای خدماتی که تا قبل از پیروزی انقلاب در آن شرکتها اشتغال بکار داشته‌اند، اعلام داشته بود و از کارکنان شرکتهای حفاری و سرویس دهنده دعوت شده بود که از ساعت ۷ صبح چهارشنبه ۷ آذرماه برای ثبت نام مراجعه کنند. و شروع رسمی اشتغال بکار را اول دی‌ماه ۵۸ اعلام شده بود.

بموجب این توافقنامه که بعنوان ضمیمه اطلاعیه شماره ۱ هیئت اعزامی که قبل از مذاکره صادر شده بود شامل کلیه کارکنان شرکتهای حفاری و سرویس دهنده از صبح چهارشنبه ۷ آذر به استخدام رسمی وزارت نفت درمی‌آیند و از اول دیماه ۵۸ در لیست دریافت کنندگان حقوق قرار می‌گیرند. به موجب این توافقنامه کلیه کارکنان ابتدا به استخدام وزارت نفت درمی‌آیند. و بعداً تعداد مورد نیاز شرکت ملی حفاری از بین آنها انتخاب شده و بقیه در بخشهای مختلف وزارت نفت به کار گمارده می‌شوند در این توافقنامه تشکیل شرکت ملی حفاری ایران به صراحت اعلام نشده و حرکتی از مواد جداگانه قطعنامه نیست. همچنین تنگی از خواسته‌های مهم کارکنان مبارز حفاری یعنی "جلوگیری از خروج کلیه دستگاههای حفاری و لوازم یدکی و وسایل شرکتها" هیچ گونه اشاره‌ای نشده است. آنچه که از متن توافقنامه منظور می‌رسد تنگی از خواسته‌های کارکنان مبارز حفاری یعنی "استخدام رسمی کارکنان در شرکت نفت" آنهم بصورت یک توافقنامه در حرف و بدون پشتوانه، موافقت شده است و عملاً نسبت به دو خواسته اساسی دیگر یعنی اتحاد "شرکت ملی حفاری" و "جلوگیری از خروج دکلها" توجهی نشده است.

بعد از امضاء توافقنامه، کارگران عکس‌العملهای متفاوتی بروز دادند. عده‌ای از کارکنان از اینکه قول استخدام داده شده است راضی بنظر می‌رسیدند. اما عده‌ای از کارکنان آگاه معتقد بودند که چون این توافقنامه هیچگونه ضمانت اجرائی ندارد و از آنجا که در توافقنامه هیچگونه اشاره‌ای به مصادره اموال شرکتها نشده است، و ممکن است اموال شرکتهای آمریکائی برای آنها پس فرستاده شود، و از آنجا که اساساً مشخص نیست که شرکت کلیه ۴۵۰۰ نفر پرسنل شرکتهای حفاری و خدمات حسینی را استخدام کند، پایان دادن به تحصن کارد رسی نیست.

اما شورای کارکنان تصمیم گرفت که صبح روز چهارشنبه ۷ آذر به تحصن خاتمه دهد.

صبح روز چهارشنبه ۷ آذر کارکنان در محل تحصن اجتماع کردند و قطعنامه‌ای تراشیده شد که در آن اشاره شده بود شرکت تحصن نه برای پایان مبارزه نیست بلکه صرفاً اتحاد موقعیتی می‌باشد با مشخص بود که هیئت اعزامی با چه حد قصد انجام کار دارد و کارکنان آمادگی دارند که با هر نوع کارشکنی در آینده مقابله کنند.

علیرغم عدم موضعگیری صریح هیئت اعزامی در باره تاسیس شرکت ملی حفاری و عدم پاسخ به خواسته مهم کارکنان مبنی بر جلوگیری از خروج دکلهای حفاری و سایر موافقت هیئت اعزامی با تنگی از خواسته‌های کارکنان یعنی استخدام رسمی کارکنان در شرکت نفت، با این وجود کارکنان مبارز شرکتهای حفاری و سرویس دهنده، توانستند در پیشبرد اتحاد و همبستگی خود و ادامه مبارزه خود بسیار تنگ ضروری بسیار دست یابند. اما در عین حال باید گوشزد شود که هنوز نسبت به اساسی ترین خواسته‌های کارکنان پاسخ صریحی داده نشده و بار دیگر عقب نشینی مقامات حاکم یعنی استخدام کارکنان هم‌هنوز دارای تضمین و پشتوانه عملی نیست و همچنانکه کارکنان آگاه خود بدان مسئله واقف هستند، هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که مقامات حاکم به این قول و قرار خود بطور کامل جامه عمل بپوشانند. این امر مسئله دور از ذهنی نیست و مقامات حاکم تاکنون بارها و بارها اساسی‌ترین وعده و وعدهای خود را زیر پا نهاده و به قول و قرار خود پشت پا زده‌اند. و این بار نیز همچنانکه قبلا بر پایه وعده خود در باره تشکیل شرکت ملی حفاری پشت پا زد، مقامات حاکم ممکن است به این حداقل توافق خود نیز پشت پا بزنند. وظیفه کارکنان آگاه و مبارز شرکتهای حفاری است که با ارتقاء آگاهی و تشکل کارکنان مبارز، آنان را برای مقابله با هر نوع توطئه و فریبکاری مقامات مسئول آماده نگهدارند.

پیروز باد مبارزات کارگران شرکتهای حفاری و خدمات حسینی

# مبارزه برای رسمی شدن ادامه خواهد یافت

## یک گام از ده گام! ـ آبادان ـ

سرانجام کارگران اداره ساختمانی و عملیات غیرتصفیه شرکت نفت که از روز ۲ آبان بخاطر عدم رسیدگی مسئولان امور به خواسته‌های بحق خود و عدم پرداخت حقوق معطلی بتحصن دست زده بودند اعتصاب همگانی را پایان دادند، در پایان سوم آذرماه پس از ارائه نمایندگان‌شان از سپهران که موفق شده بودند مفاد قرار را به اجرای تحصن با خبری از خواسته‌هایشان وادار کنند، سر کار برگشتند.

اگرچه نتیجه ملموس این اعتصاب ۳۱ روزه، تحقق بخش با خبر و محدودی از خواسته‌های حق طلبانه کارگران است، ("از اول فروردین ماه ۵۹ همانند هر آنچه کارگران شرکت نفت چهره حسینی در نظر می‌دارند... و حق خرید از شرکتهای تعاونی ... و هزینه مسکن بیش از اول آذرماه ۵۸ معادل هزینه مسکن کارگران شرکتی ..." منقل از دستور العمل مفاد قرار) اما این اعتصاب تجربیات مبنی برای کارگران داشت. کارگران مبارز در طول و بار دیگر عقب نشینی مقامات حاکم یعنی استخدام کارکنان هم‌هنوز دارای تضمین و پشتوانه عملی نیست و همچنانکه کارکنان آگاه خود بدان مسئله واقف هستند، هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که مقامات حاکم به این قول و قرار خود بطور کامل جامه عمل بپوشانند. این امر مسئله دور از ذهنی نیست و مقامات حاکم تاکنون بارها و بارها اساسی‌ترین وعده و وعدهای خود را زیر پا نهاده‌اند. و این بار نیز همچنانکه قبلا بر پایه وعده خود در باره تشکیل شرکت ملی حفاری پشت پا زد، مقامات حاکم ممکن است به این حداقل توافق خود نیز پشت پا بزنند. وظیفه کارکنان آگاه و مبارز شرکتهای حفاری است که با ارتقاء آگاهی و تشکل کارکنان مبارز، آنان را برای مقابله با هر نوع توطئه و فریبکاری مقامات مسئول آماده نگهدارند.

پیروز باد مبارزات کارگران شرکتهای حفاری و خدمات حسینی

اعتصاب با تحصن‌هایی که در پیش خود داشتند و با حمایتی از عملکرد دولت سرمایه‌داران و با توجه به زیر پا گذاشتن توافق با مدیران و ساختمان توسط حامیان فلانی مستضعفین ؟! هر چند بیشتر به ماهیت استثمارگرانه و ضدخلقی رژیم حاکم پی بردند. و از همین روز دستور العمل قطعی معین فرهم‌بابیده‌شدند می‌کنند.

درس دیگری که کارگران در این مدت و در طول اعتصاب حق طلبانه خود گرفتند، این بود که به تنهائی نخواهند توانست به حتی ابتدائی و اولیه خود (رسمی شدن) دست یابند و بهمین دلیل کوشش کردند با دیگر کارگران بخشهای صنعت نفت آبادان را به اعتصاب فراخوانند. اما متاسفانه علیرغم اینکه بخش دیگری از کارگران زحمتکش تعاونی (شرکت زمستکو) با خواسته‌های خود اساسه دست به اعتصاب زده بودند، همکاری و وحدت عمل مشخصی در بین این دو بخش از اعتصابیون حاصل نشد.

مستحکم باد اتحاد کارگران تعاونی

### دبیرستان فردوسی (سپهران)

روز چهارشنبه ۵۸/۹/۷ بدنبال پاره کردن اعلامیه‌ها و پوسترهای موجود در مدرسه توسط سه ۳ تن از دانش آموزان تحریک شده دانش آموزان دبیرستان ضمن برپائی اجتماعی نسبت به این عمل غیرانسانی اعتراض کردند. دانش آموزان ضمن افشای ماهیت کسانی که بدین گونه اعمال دست می‌زنند، خواستار محاکمه ۳ دانش آموز مبتلی، در سراسر کلیه دانش آموزان شدند. مسئولان دبیرستان قول دادند که این کار بعد از برگزاری رفراندوم اجرا خواهد شد.

بقیه از صفحه ۷

میهنمان صورت گرفته و خواهد گرفت و برگشته سازمانها و گروههای انقلابی و مبارز است که در ادامه تاسیس و بالا رفتن سطح این دوره نوین و امیدوار کننده مبارزات، دهقانان میهن ما را یاری دهند.

★ ★ ★

مطلب کمبودها، شرح مبارزات دهقانان مبارز "شهرم کلا"، "علی آباد"، "اسارود" و "جنگار" و همچنین مبارزه دهقانان بی‌زمین روستای "کماکش کلای دشت سر" را در شماره بعد خواهیم آورد.

نان، مسکن، آزادی

اعلامیه عده‌ای از زندانیان سیاسی :

# خلق قهرمان ایران !

چندی پیش مطالبی درمورد کارد دادگاه‌ها ومحاکم‌رژیم وسرمسائل درونی زندانیها در جراید ورسانه‌های جمعی کشوردرج شد، ازآنجا که گزارشات منتشره درروزنامه‌ها و رادیو تلویزیون با سوءورده رژیم‌حاکم در مورد زندانیها ودادگاههای دولت جمهوری اسلامی کاملا تحریف آمیز بوده وبهیچوجه بیان دهنده واقعیت های حاکم برزندانیها ودادگاه‌ها نیست بخصوص که خبرنگاران وگزارشگران عمدتاً به پیشه‌گزارش اوضاع مخرب رژیم گذشته پرداخته‌اند که به لطف دادگاههای انقلاب هرروز وسیله رفاه بیشتر وبخودکی جدیدی شامل حالشان میشود، لذا ما برای آگاهی خلق قهرمان ایران بدانها، گوشه‌هائی از اعمال رژیم که درمورد زندانیان سیاسی و مبارزین انقلابی صورت میگیرد، می پردازیم تا از این رهگذر توده‌های انقلابی خلقمان را از توطئه‌هائی که عمال رژیم حاکم بدان دست می‌زنند اطلاع سازیم وازمسئولیت خطیری که در دفاع از این قرزندان آزاده خلق بعهده‌شان محول میگردد هشدار دهیم.

اعلامیه سپس به دستگیری بقی شهرام به همراه اعضاء ورهبران سازمان مجاهدین خلق درسال ۵۰ اشاره کرده وبررسی مبارزات او را در زندان بر علیه مزدوران رژیم شاه‌خائنی که ضاعف سزا و را به ۱۰ سال زندان محکوم ساخته وسپس وی را به زندان ساری منتقل ساخته‌اند وقرار انقلابی وی از زندان بهمراه دورفیق دیگر و فردای گذشته قرار وهمچنین برنامه‌ریزی اعدام‌رفیق بنی‌اردلانی، محمد مشرک ساواک و...) وسرهنگهای آمریکائی که وی پس از آزادی از زندان بدان همکاری، سخن می‌گوید وبا اشاره به وضع کنونی وی از شکنجه‌ها بخصوص شکنجه روانی که درحق وی اعمال می‌شود، پرده برمی‌دارد وسپس می‌گوید:

در این مدت حتی یکبار اجازه ملاقات با خانواده‌اش بداده نشده است، طبق اخبار واصله محل اسارت وی مدتها درسالنهای مزوکه زندان اوین بوده است که بدلیل شرایط مرگبار وغیربهداشتی آنها وبدلیل اعتراضات مکرر گروههای مختلف بین المللی وازجمله نمایندگان صلیب سرخ درسالنهای او اخیر حکومت شاه‌خائن یکی از سرهنگ گونه‌ای از آنها بمی‌ندادند. این سالنها، سلولهای تنگ گونه‌ای هستند که بطور خاص برای سلب شرایط انسانی حیات ووارد ساختن فشار هرچه بیشتر بطور مضعف روحیه زندانیان ساخته شده‌اند. کف این سلولها نمور وخاکی است و فاقد هرگونه تهویه بهداشتی لازم است. حداقل نور بدرون این سلولها نمی‌تابد واین رهگذر حیات زندانی شدیداً درمعرض تهدید است ... البته وضع تغذیه ورفتارهای ضدانسانی درمورد این انقلابی میهن ما پایان نیافته، بلکه بدستور اخیر طلبان مرتجع وانقلابی نما درهمین وحشیگرده‌های تنگ وتاریک ونمور هم برای مدتی او را برتخت میکشند ودرتمام تاغات شبانه روزها پس را درزیر تخت نگه میدارند.

# عوامل امپریالیسم از زندان آزاد می‌شوند!

کمیته خوزستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بیانیه‌ای تحت عنوان مصمه محلی پیکار درسطح خوزستان منتشر می‌کند. در زیر قسمتی از مقاله کوتاهی را که تحت عنوان "عوامل امپریالیسم از زندان آزاد میشوند" درضمیمه محلی پیکار شماره ۳۱ درج شده است میخوانید :

عوامل امپریالیسم از زندان آزاد میشوند

دادگاه انقلاب اسلامی اهواز" سروش نقشه" مدیرکل سابق اموراداری شرکت سهامی خاص خدمات نفت ایران (کنسرسیوم سابق)، یکی از سرسپردگان امپریالیسم آمریکا عضو سازمان فراماسونری، رئیس پادگان لاشر اهواز، معاون استاندار وعضو کمیسیون امنیت استان خوزستان را از زندان آزاد کرد.

سروش نقشه که خائن ترین عامل اداری صنعت نفت را درجنوب دراختیار داشت، تعیین کننده خط مشی ترسیلی ضدکارگری صنعت نفت ومسئول اجرای پروژه‌های حساب شده امپریالیستی درصنعت نفت بود. او به هنگام اعتصاب قهرمانانه کارگران وکارمندان صنعت نفت جنوب به حکومت نظامی نیسها دکرده بودکه حدس از اعتصابیون را اعدام کنند تا نفت کارگران صنعت نفت سر کار باز گردند.

این عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا یکی از سرمایه‌داران بزرگ اهواز ویکی از سرکای اصلی سیاستگذاران بزرگ صنعت نفت است که ازطریق باندبازی وارتباط وبا تشکیل قراردادهای محلی، صلیبیها توانسته سول حلقهای رحمتکش ایران را ازطریق شرکت نفت بالا کشیده است. این فرد با استفاده سابقه خیانتکارانه وضدخلقی در دادگاه انقلاب اسلامی سپاه دوسال حبس تادیبی محکوم گردید تا اینکه اخیراً معمول عفو امام واقع گردیدو از زندان آزاد شد. آیا این تعداد آزادی برای رژیم ولایت توجیه ؟! نه میشود رفت است.

سروش نقشه این عامل سرسپرده وکثیف امپریالیسم آمریکا را می آزاد میشود که دست هیئت حاکمه ضدخلقی بخون جوانان انقلابی خلقهای کردوعرب و... آغشته شده و کردستان این پایگاه مستحکم مبارزه علیه امپریالیسم وارتجاع داخلی موردهجوم پاسداران ضدانقلاب وارتش ضدخلقی قرارگرفته است. سروش نقشه رهائی از زندان آزاد می شودکه هیئت حاکمه فریبکار نوین وکرسای ضدامپریالیستی سرداده وخودرا بیشتر مبارزات ضدامپریالیستی خلق قلمداد میکند. باید پرسید:" کدام را باور کنیم، دم خروس را یا .....

بقیه از صفحه ۱۶

ارتجاع سوءهای ...

بگذارند رفرانداوم بنامشود. آنوقت میدانیم چکار کنیم. (این خط وبیان کشدن برای دیگر رفقای دانشجوئی که آنشب درنقاط مختلف شهر دستگیر شدند، نیز تکرار شده است!) سرانجام با تعهدگرفتن از رفیق او را آزاد میکنند. در بیرون درکمیته رفیق دانشجو سوار ماشینی می‌شود که ظاهراً به انتظار ما قرار نشانده بوده. این ماشین رفیق را به نقطه خاصی که از قبل تعیین شده بود، میبرد وبه پیاده کردن او از ماشین میپردازد. درآنجا دو نفر مزدور که در پیاده‌رو منتظر ایستاده بودند از پشت به رفیق حمله میکنند. او را بشدت زخمی میسازند. با رسیدن چند رهگذر، مزدوران رفیق را رها کرده وفرار میکنند. با دمان هست که رژیم آریامهری هم مانند این سوءها را برای سرکوب نیروهای مترقی وانقلابیون بکار میبرد (جنایت کاروانسرا سنگی یا ربودن مبارزین) اما آیا رژیم خائن شاه با آنهمه جنجال وبا وجود دستگاه عریض وطویل ساواک ودیگر نیروهای سرکوبگرش، توانست درسرا برجسم مردم قهرمان ایران تاب بیاورد؟ این مردم، همان مردمند وامروز با آگاهی وسایل بیشتر از نیروهای خود، بی شک نه کسانیکه میکوشند با فریب بار دیگر بند بردست وپایش بگذارند، جوابی درخور خواهد داد!

(*)- بیش از هفتاد هزار شهید و ۱۰۰ هزار زخمی، همچنان باید برای حفظ مسائل امنیتی از دکرنام کمیته وجزئیات بیشتر صرفنظر کرد!! پیکان باد!

● ● ●

طبق گفتار شهود عینی هنگونه روزنامه وگفتاری دراختیار او قرار نمی دادند. مامورین زندان و مراقبین اوبا بدستور مسئولین امر درمواقع رفت وآمدهای جنبه لحظه‌ای او به دستشوئی وبوالت گذاشتن او و بطاق کامل انجام میگرفتند اکثر اوراق روزنامه کهنه‌ای درمیسرش می بوده، فوری آنرا دورمی ساختند واوهنگونه تحمیلی نمی کنند .....

پس دراعلامیه ارجمند توده‌های انقلابی خلق وهمه نیروهای انقلابی ومبارزه‌ای از انقلابیون مارکسیست - لنینیست وهمچنین سازمان مجاهدین خلق ایران، کانون زندانیان سیاسی، جامعه حقوقدانان ودیگر نیروهای دمکرات جامعه استمداد نموده که به جنایت اخیر این مبارزه را سرسرحبرند وماهیت عملکردهای فاشیستی را که نسبت به وی اعمال میشود، افشا سازند ودراداده میخواهیم :

ما معتقدیم دراین مراحل حساس جامعه‌مان دامن زدن بیک سری مسائل درون خلقی که باسی ازضعف ها واشتباهات گذشته نیروهای انقلابی وعناصر آن ها که درصف انقلاب موضوع پیوسته است تحریف وفرقه‌ودامن زدن به تضادهای درون خلقی ومحدود کردن صف نیروهای خلق وضدخلق جزدیگری را بدنبال ندارد که این کار همسوئی است دردست ضدانقلاب وفرصت طلبان ولاغیر.

"عده‌ای از زندانیان سیاسی"

۵۸/۹/۹

● ● ●

## ارتجاع شیوه‌های سرکوب "ساواک" را بازسازی میکند

درشب رفراندم قانون اساسی دستپخت "خبرگان"، ارتجاع ازیکطرف تمام امکانات تبلیغاتی خودرا بسیج کرده بودتا با حیله و فریب مردم وبا استفاده از ناآگاهی ونوعدوستی آنها آراء بیشتری جمع آوری کندوازطرف دیگر گسیل های خودرا در اتومبیلهائی با حراغهای خاموش ودردسته های چهار نفره درسطح شهر روانه کرده تا به دستگیری انقلابیون بپردازندکه برای آگاه کردن مردم از محتوای واقعی قانون اساسی اقدام به پخش اعلامیه میکردند. یکی از این اتومبیلهای گشتی، دانشجوئی را که در حال پخش اعلامیه "تحریم رفراندم" بوده دستگیر نموده وبه کمیته (*) ... میبرند. (بی شک این سئوال بردهن بسیاری سنگینی میکند، که اگر قانون اساسی مذکور، مترقی وانقلابی است ومردم از سرآگاهی وبا چشم باز به آن رای دادند، پس چرا علیه گروهها وسازمانهائیکه نسبت به محتوای ارتجاعی آن افشاگری میکردند، آنهمه سمپاشی شد؟ وبهیچ گروه وسازمان انقلابی وحتی لیبرال امکان داده نشدتا با مردم سخن گویند! از آنجا که ارتجاع خودش خوب میدانست چه معجونی را دارد بخورد مردم میدهد، کلیه امکانات را بسیج کردتا صدای انقلابیون بگوش کسی نرسد). درکمیته یک آخوند وچند لمپن و پاسدار دوررفیق را گرفته و ازاو سئوالهای زیادی میکنند. صحبت آنها نزدیک به ۲ ساعت طول میکشد، درضمن صحبت به رفیق گفته میشود،

بقیه درصفحه ۱۵

یکسال از اعتصاب بعثگران دلیرجنوب میگذرد:

## کارگر: ستون فقرات انقلاب

درادامه اعتصابات سیاسی وفراگیری که درسال گذشته توسط کارگران ودیگرزحمتکشان بوقوع پیوست ورژیم وابسته به امپریالیسم شاه حاکم را با همه قدرت وتبلیغات وبا همه حمایتی که از سوی امپریالیسم آمریکا میشد، بزانودرآورد، مرحله دوم اعتصابات بعثگران درآذرماه گذشته ویژگی خاص دارد. طبقه کارگروپشتیبانی آنان بعثگران جنوب کفه توازن نیروهای انقلاب و ضدانقلاب را بنفع انقلاب سنگین تر کرد.

گرامی باد دوازدهمین سالگرد تأسیس جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین

## پیام تبریک سازمان به رفیق ژرژ حبش دبیرکل جبهه خلق برای آزادی فلسطین

رفیق ژرژ حبش دبیرکل جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین!

رفقا، اعضای دفترسیاسی جبهه!

۱۳ دسامبر دوازدهمین سالگرد تأسیس جبهه خلق برای آزادی فلسطین را به شما وبه همه اعضا وپیکارگران جبهه وکلیه نیروهای انقلابی فلسطینی وعرب تبریک میگوئیم.

خلق های قهرمان ایران وفلسطین سالیان دراز است که همدوش یکدیگردرسنگر مبارزه ضد امپریالیستی ـ ضدصهیونیستی وضدارتجاعی می جنگندو پیوندمبارزه جویانه بین خلق ـ های ما وشما طی این نبرد سرنوشت ساز هر دم استوارتر شده است.

خلقهای ما سرانجام رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم شاه را سرنگون کردندوبا این پیروزی خودگام مهمی در راه طولانی ودشوار پیروزی خلقهای منطقه علیه امپریالیسم برداشتندوامروز همچنان برای خنثی کردن توطئه هائی که جهت سقط انقلاب ومتوقف کردن آن از سوی امپریالیسم وارتجاع داخلی بکار میرودبه مبارزه همه جانبه خود ادامه می دهند.

رفقا، همپیمانان راستین خلق فلسطین که همانا نیروهای مترقی وزحمتکشان ایران هستند، ضمن تائید نقش فعال وموثرنیروهای حب وانقلابی فلسطینی، ضمن تائید مواضع سیاسی وانقلابی پیگیرشما درادامه نبرد رهائی بخش خلق تا آزادی سراسر فلسطین، ضمن قدردانی از حمایتی که نسبت به انقلاب دمکراتیک و ضدامپریالیستی ایران ابراز داشته اید، اعلام می کنندکه برای هرگونه حمایت عملی از انقلاب فلسطین ودیگرخلقهای عرب وجهان آماده اند.

فرصت را مغتنم شمرده برای جبهه خلق برای آزادی فلسطین ودیگر سازمانهای انقلابی فلسطینی پیروزی نهائی، آزادی فلسطین ونابودی امپریالیسم وارتجاع در سراسر منطقه را آرزو می کنیم.

با تقدیم درودهای انقلابی

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۰ دسامبر ۷۹

**هموطنان مبارز! رفقای گرامی!**

سازمان ما همواره با پشتیبانی وحمایت همه جانبه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هرطریق که میتوانید به دست ما برسانید.

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

# پیکار

ضمیمه ۳۲

دوشنبه ۵۸/۹/۱۹

# دعوای ولایت فقیه، خیانت لیبرالها و هشدار به خلق آذربایجان

حوادث اخیر تبریز و ناآرامی در دیگر شهرهای آذربایجان قبل از آنکه نشانی از مبارزات انقلابی خلق ترک بر علیه ستم طبقاتی و ملی داشته باشد، ناشی از تضادها و درگیریهای طبقات حاکم است که اکنون بر سر مسئلهٔ رهبری میان قدرتمندان مذهبی خود را می‌نمایاند و در این بین توده وسیعی از مردم ناآگاه را آلت دست خود میسازد. تضادی که میان لیبرالهائی از نوع نزیه و مراغه‌ای و ... از یکطرف و جناح خرده بورژوازی انحصارطلب در درون هیئت حاکمه از طرف دیگر، از مدتها پیش بروز نموده اینک با اختلاف میان سران مذهبی بر سر قدرت متجلی شده، قطب بندی و اختلاف میان بخش وسیعی از مردم ناآگاه و متعصب را در پوشش طرفداران خمینی و شریعتمداری موجب گشته است. این آقایان لیبرال و فرصت طلب که در جریان قیام بهمن، به اعتبار سازشکاری و تسلیم طلبی رهبری خرده بورژوازی و خزش بورژوازی لیبرال بقدرت به نان و نوائی رسیده‌اند، یا همانهائیکه بیشرمانه در بحبوحهٔ مبارزات توده‌ها قانون اساسی رژیم سلطنتی را حامی و پشتیبان بوده‌اند، اینک که موقعیت خود را به لحاظ تضادهایشان با جناح خرده بورژوازی بقدرت رسیده در خطر می‌بینند، زیر پوشش بظاهر آراسته حمله به ارتجاع، حمله به قانون اساسی خبرگان، تحت لوای شعارهای فریبندهٔ آزادیخواهی و دمکراسی و با سوء استفاده از تعصبات مذهبی و ناآگاهی بخش وسیعی از مردم آذربایجان آنها را بجان هم انداخته‌اند. توطئه‌های شوم و ننگین این فرصت طلبان تاکنون چندان هم بی ثمر نمانده و حتی بخشی از عناصر مترقی را نیز با ایشان همراه ساخته است و این خود زنگ خطر و هشداری عظیم برای خلقهای تحت ستم ماست. آنها باید بدانند حملهٔ این دار و دسته به ارتجاع حاکم نه تنها کمترین جنبه‌ای از ترقیخواهی ندارد، بلکه منشأ سوء استفاده‌ای تمام عیار از خواستهای انقلابی توده‌های آگاه است که آزادی و دموکراسی را نه در جار چوب پوسیده و ارتجاعی سیاستهای این قدرت طلبان نوخاسته، بلکه در رهائی از قید و بند سلطهٔ امپریالیسم و نابودی سرمایه‌داری وابسته به عمیق ترین مفهوم خود میجویند. میان اعتراض و مبارزه مردم آگاه بر علیه قانون اساسی و بر علیه ارتجاع و اختناق و مخالفتهای ضد خلقی و سودجویانهٔ لیبرالها دیواری بس عظیم قرار دارد. بدون تردید خواست خلق آذربایجان مبنی بر حق تعیین سرنوشت خود و رفع ستم ملی با پشتیبانی همه کمونیستهای راستین و نیروهای دموکرات و انقلابی روبروست، لیکن اگر امروز این شعار نه از سوی توده‌های مردم آذربایجان، بلکه بوسیلهٔ قانون اساسی‌خواهان پیشین در رژیم شاه مطرح میشود، تنها در خدمت منافع ضدخلقی اینگونه بورژوا لیبرالها قرار می‌گیرد. آنها از طرح این شعار و حرکات اخیرشان میکوشند بقدرت دست یابند و نهایتاً با برقراری نوعی ملوک الطوایفی در ایران، آذربایجان را به تیول خود درآورند. تمامی خلقها باید بدرستی میان این دو موضع مرزبندی کنند.

قانون اساسی دستپخت خبرگان با برسمیت شمردن ولایت فقیه (بمثابهٔ ارتجاعی ترین نهاد و سمبل دیکتاتوری) با قانونی کردن تمامی نهادهای استثمار گرانه سرمایه‌داری وابسته و با بزیر پا گذاردن آشکار دموکراسی و اصول آزادیخواهی بدون شک دارای محتوا و مضمونی ضدخلقی است، لیکن چنانچه آقای شریعتمداری یا نزیه و مقدم مراغه‌ای و دیگر همدستانشان با آن مخالفت می‌ورزند، تماماً ناشی از آنست که منافع اینها در این قانون و در دیگر مواضع هیئت حاکمه تامین نشده است. این خائنین به خلق آنطور که خود می‌خواهند اصل "ولایت فقیه" در کلیت خود مورد مخالفت شریعتمداری نیست خود وی تصریح می‌نماید که این اصل اسلامی و شرعی است لیکن بنظر ایشان استنباط درستی از "ولایت فقیه" ارائه نشده و "استنباط درست" از این اصل حتماً بنحوی است که آقای شریعتمداری - یعنی کسی که بدولت "آشتی ملی" شریف امامی سه ماه فرصت داده بود - نیز در رهبری شریک گردد.

طرف دیگر دعوا نیز بیکار ننشسته است. حملات جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه علیه لیبرالها از سرگرفته شده و دست آقای مراغه‌ای این عنصر سابق مجلس خبرگان در ارتباطی خائنانه با لانه جاسوسی آمریکا رو میشود. اما اینگونه "افشاگریها"، آنهم درست در شرایطی که موج مخالفتهای ارتجاعی - لیبرالی شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان برخاسته و آذربایجان دستخوش ناآرامی است چه چیز را روشن میکند؟ آیا جز اینکه ماهیت ضدخلقی و ضد انقلابی هیئت حاکمه را که طی ۹ ماه گذشته از طریق سازش با امپریالیسم و بازسازی سیستم وابسته سیدا عمل این جنایتکاران بوده است، نشان میدهد؟

مسئله بر سر نفی و انکار وجود تضاد در مواضع جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه و دار و دستهٔ شریعتمداری نیست. این دومی با گشودن چتر حمایتش بر سر عناصر وابسته‌ای چون فربد و راست ترین جناحهای بورژوازی لیبرال، دارای عملکرد بمراتب ضدخلقی تر و ارتجاعی - تر از اولی است. بهمین دلیل میتواند مورد توجه و حمایت بیشتر امپریالیسم آمریکا (نسبت به برخی از جناحهای فعلی حاکم) قرار گیرد. حزب جمهوری خلق مسلمان هم اکنون به بلندگوی تبلیغاتی این عناصر و نیروها بدل شده و بی دلیل نیست که جریان اخیر تبریز و مواضع این حزب مورد حمایت عناصر و احزاب شناخته شده‌ای چون حزب جمهوری خواه، پان ایرانیستهای مزدور، اتحاد برای آزادی (به سردمداری بنی احمد) و ... قرار میگیرد، اما نکتهٔ اصلی اینجاست که هر دو جناح علیرغم تمام دعواهاشان در مقابل خلق و در مقابل انقلابند. در حقیقت این تضاد عمیق توده‌های وسیع خلق و سیستم ضدخلقی حاکم است که در آن بالا جناحهای درونی هیئت حاکمه و رهبران قدرتمند را بجان هم انداخته است و در این میان خلق‌های ستمدیدهٔ ما در همه کشور، آذربایجان، کردستان، بلوچستان و بقیه نقاط می‌بایست با آگاهی کامل نسبت به ماهیت و مقاصد هر دو سوی دعوا، هر دو را طرد کرده، هویت مبارزاتی مستقل و سازش ناپذیری انقلابی خود را در هر حرکت حفظ نمایند.

شکی نیست که حرکت مردم تبریز، اعتراضشان به قانون اساسی و ارتجاع حاکم در اصل دارای مضمون مترقیانه است. لیکن وقتی زیر چتر حمایت از مرتجعین لیبرال و با طراحی آنان براه انداخته میشود، در مسیری متضاد با منافع توده‌ها قرار گرفته و طبیعتاً نمی‌تواند مورد حمایت کمونیستها و انقلابیون دمکرات واقع شود. تنها آنچه که اینک می‌تواند برای کمونیستها و دیگر رزمندگان انقلابی مطرح باشد، افشای ماهیت واقعی هر دو سوی اختلاف و مرزبندی دقیق میان مواضع خلق و ضدخلق با بهره‌گیری از تضادهای درونی طبقات حاکمه است و بس!

**ماهیت تضاد بین طبقات هیئت حاکم را افشاء کنیم!**

**خلق را از زیر بال و پر آنان بدر آوریم!**

**نگذاریم مبارزهٔ خلق از مسیر ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خود منحرف شود!**